

اطلاعات سیاسی شده و سیاسی شدن اطلاعات؛

تفاوت‌ها و پیامدها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

ابراهیم خلیلی*

چکیده

پژوهش حاضر ضمن تبیین تفاوت‌های شکل‌گیری «اطلاعات سیاسی شده» و «سیاسی شدن اطلاعات»، به این پرسش می‌پردازد که سیاست‌زدگی اطلاعات، چه پیامدهایی برای دستگاه‌های اطلاعاتی و سیاسی به همراه دارد؟ در پاسخ به ترتیب از روش‌های تحقیق تفسیری (ابزار فیش‌برداری) و توصیفی پیمایشی (ابزار پرسش‌نامه) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل موضوعی و آزمون‌های بارلت و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «اطلاعات سیاسی شده» و «سیاسی شدن اطلاعات» از طریق دوازده زمینه، به لحاظ شکل‌گیری با یکدیگر تفاوت ماهوی دارند. فرجام هر دو معضل «اطلاعات سیاسی شده» و «سیاسی شدن اطلاعات»، مشابه بوده و در واقع، تأثیرپذیری نهایی اطلاعات از سیاست، دوری سازمان اطلاعاتی از هویت و رفتار حرفه‌ای و ناکارآمدی نظام سیاسی است.

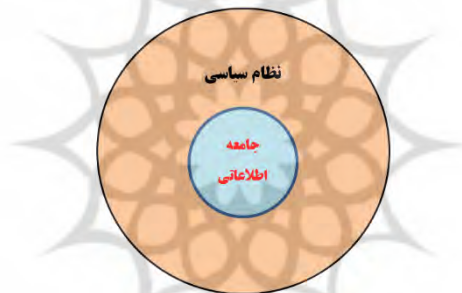
واژگان کلیدی: سیاست‌زدگی، اطلاعات سیاسی شده، سیاسی شدن اطلاعات، سازمان اطلاعاتی، نظام سیاسی.

* دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبایی، استادیار دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران.

khalil.eb59@yahoo.com

مقدمه

تحولات و پویایی سرویس‌های اطلاعاتی، تنها تحت تأثیر شرایط درونی نیست، بلکه در سطح فراسازمانی، متغیرهای ناشی از ساختارهای بزرگ‌تر مانند نظام سیاسی در موفقیت آن تأثیرگذارند. مهمترین مأموریت سازمان‌های اطلاعاتی، حفظ نظام حاکم است و این موضوع در هرگونه مدل سیاسی صادق است. به همین دلیل از سازمان اطلاعاتی به عنوان نزدیک‌ترین و معتمدترین دستگاه یا سازمان دولتی به نظام سیاسی نام برده می‌شود. با این توصیف می‌توان جامعه اطلاعاتی هر کشوری را در داخل نظام سیاسی آن کشور به شرح شکل ۱ در نظر گرفت.



شکل ۱: وضعیت سیستمی چپش نظام سیاسی و جامعه اطلاعاتی^۱

بر اساس شکل ۱، نظام سیاسی محیط پیرامونی جامعه اطلاعاتی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین بدیهی است جامعه اطلاعاتی در هر شرایطی در داخل نظام سیاسی مشغول به حیات و فعالیت اطلاعاتی است. اوکانل^۲ (۲۰۰۴: ۱۹۱)، معتقد است: «جامعه اطلاعاتی وجود خارجی نخواهد داشت اگر نیازمندی‌های سیاست‌گذاران اقتضا نمی‌کرد». از این رو، اطلاعات، اعم از محصول،

۱. اشکال و جداول ترسیمی فاقد منبع در این مقاله، بر اساس ایده و مطالعات محقق ترسیم شده است.

2. O'Connell

نیرو و سازمان اطلاعاتی، ماهیتی سیاسی دارد و گریزی از آن نیست. به عبارت دیگر، اطلاعات اگرچه با سیاست تمایز دارد، اما هم‌جنس آن است. این به هم‌پیوستگی، به طور خودکار اثراتی از سیاسی‌شدن را برای اطلاعات - به رغم نامطلوب‌بودن آن برای سازمان اطلاعاتی - ایجاد و اعمال می‌کند؛ چراکه اطلاعات، نظیر سایر مفاهیم، متغیری زمینه‌مند است؛ بنابراین، به لحاظ ماهوی، حداقل تأثیرپذیری اطلاعات از سیاست و نه دخالت سیاست در اطلاعات، امری گریزناپذیر است.

وظیفه حرفه‌ای تحلیل‌گران اطلاعاتی، بررسی و ارزیابی موضوعات مرتبط با امنیت ملی، بدون جهت‌گیری له یا علیه نتایج مورد انتظار مقامات مسئول است. از سوی دیگر، سیاست‌مداران نیز با علم به اهمیت این قابلیت‌ها، باید تمام تلاش خود را در بهره‌برداری بهینه‌تر از محصولات و اقدامات این سازمان و نیز حمایت، بهبود و ارتقای اولویت‌های امنیت ملی، به عمل آورند (دیویس^۱، ۲۰۰۷: ۱۴۵)؛ اما اغلب (و حتی در توصیفی نه چندان اغراق‌آمیز)، همیشه این‌گونه نیست.

اگرچه اطلاعات یک فعالیت مجزا و انفرادی نبوده و بخشی همگرا از حکومت است که ویژگی قوانین ملی و جوامعی که در آن به وجود آمده است را بازتاب می‌دهد (هرمان^۲، ۲۰۰۱: ۱۳۸) و در کنار سایر کارکردهای امنیتی، ارتباط بسیار نزدیکی با قدرت سیاسی دارد (کاوثر و لاک‌هام^۳، ۲۰۰۳: ۳۰۵)؛ اما به عقیده سالارکیا (۱۳۹۷: ۳۹)، «چنانچه گام به درون سازمان اطلاعاتی به عنوان

1. Davis
2. herman
3. Cawthra & Luckham

یکی از دستگاه‌های اداری نظام سیاسی گذاشته شود، سیاست‌زدگی^۱ مهمترین عارضه سازمانی این سرویس‌ها به شمار می‌رود». از این رو تصویر منطقی ارائه‌شده، در اغلب موارد با فضای واقعی و عملی، سازگاری و تناسب ندارد و در بسیاری موارد، تمایلات سیاسی، منافع درون‌سازمانی، برون‌سازمانی و شخصی، بر نحوه انجام مطلوب اقدامات اطلاعاتی تأثیرگذارند (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

به‌رغم آنکه سیاست‌مداران و مدیران اطلاعاتی نسبت به لزوم بی‌طرفی و استقلال سرویس‌های اطلاعاتی در فرایند توزیع قدرت در نظام سیاسی و کارکردهای حرفه‌ای اطلاعات آگاهند، اما تعرض سیاست‌پیشگان به مرزهای استقلال اطلاعاتی، سوءاستفاده نیروهای اطلاعاتی از رانت محصولات منحصربه‌فرد اطلاعاتی برای ورود به عرصه سیاست‌پیشگی و نگرانی از رسوخ سوگیری‌های فردی کارشناسان و مدیران اطلاعاتی در کارکردهای حرفه‌ای و مأموریت‌های اطلاعاتی (پیروز، ۱۳۹۲: ۳۵)، از مهمترین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها برای کارکرد اثربخش سازمان‌های اطلاعاتی است. سیاست‌زدگی خود بر دو قسم است، از یک سو اطلاعات تمایل به سیاسی‌شدن دارد که از آن در این پژوهش به «اطلاعات سیاسی‌شده» نام برده شده و از سوی دیگر، سیاست خواستار اعمال فشار و تحمیل اراده خود بر اطلاعات است که از آن با عنوان «سیاسی‌شدن اطلاعات» یاد می‌شود. بدیهی است که هر دو قسم از عارضه اطلاعاتی یادشده در دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای مختلف، دارای تفاوت‌ها و پیامدهایی است؛ بنابراین مسئله اساسی پژوهش، در ابتدا شناسایی تفاوت‌های شکل‌گیری این دو نوع از سیاست‌زدگی و سپس پیامدهای سیاست‌زدگی اطلاعات است. سؤالات پژوهش عبارتند از:

1. Politicization

- تفاوت‌های شکل‌گیری اطلاعات سیاسی شده و سیاسی شدن اطلاعات چیست؟
 - سیاست‌زدگی اطلاعات چه پیامدهایی برای سازمان اطلاعاتی و نظام سیاسی دارد؟
- ضرورت پژوهش اشاره به لزوم شناخت مفاهیم، تفاوت‌ها و پیامدهای کژکارکردی اطلاعات در نظام سیاسی با ریشه‌های سیاست‌زدگی اطلاعات دارد. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که در بیانات و فرمایشات مختلف امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) آمده است، تأکیدات بسیار زیادی بر روی عدم حزب‌گرایی و جناح‌گرایی در سازمان اطلاعاتی از یک سو و استقلال، تعهد و تقوای کارکنان اطلاعاتی از سوی دیگر شده است که همین موارد بیانگر ضرورت انجام این پژوهش در جهت بسترسازی کارکرد سالم و مؤثر جامعه اطلاعاتی کشور است. اهمیت این پژوهش بیانگر اهمیت و جایگاه سازمان‌های اطلاعاتی در نظام‌های سیاسی است. ضمن اینکه مطالعه حاضر می‌تواند با افزایش آگاهی سیاست‌مداران و دولتمردان کشور از یک سو و مسئولان و کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی از سوی دیگر، استقلال اطلاعاتی و عملکرد صحیح و اثربخش هر چه بیشتر جامعه اطلاعاتی کشور را به همراه داشته باشد.
- در بررسی پیشینه تحقیقاتی، بیشتر پژوهش‌ها اشاره به سیاست‌زدگی اطلاعات دارد. سالارکیا و میرمحمدی (۱۳۹۷) در کتاب «سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی»، تمرکز ویژه‌ای بر روی این مقوله به عنوان یکی از مهمترین مسائل مبتلابه نهادهای اطلاعاتی در نظام‌های مردم‌سالار داشته و آن را از ابعاد مختلف از جمله تشریح مسئله سیاست‌زدگی و بررسی پیامدهای آن مورد واکاوی قرار داده و در انتها به ارائه راهکارهایی برای کاهش سیاست‌زدگی در اطلاعات پرداخته‌اند. خسروی (۱۳۹۰)، سیاست‌زدگی اطلاعات را سبب‌ساز بی‌هویتی سازمان اطلاعاتی

دانسته و معتقد است که این اقدام در نهایت، ناکامی نظام سیاسی را به دنبال دارد. به عقیده وی، سیاست‌زدگی اطلاعات، پیامدهای خطرناکی برای هر دو سیستم اطلاعاتی و سیاسی به همراه می‌آورد.

سالارکیا و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق «تحلیل پیش‌آیندهای وقوع سیاست‌زدگی اطلاعات»، با یاد نمودن از سیاست‌زدگی به عنوان یک عارضه سازمانی در سازمان‌های اطلاعاتی، مفهوم سیاست‌زدگی در اطلاعات را مورد بررسی عملیاتی قرار داده‌اند. در ادامه این پژوهش، هفده عامل یا بستر برای سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی معرفی شد.

پیروز (۱۳۹۲) با معرفی سیاست‌زدگی به عنوان یکی از مشکلات و مسائل جاری سرویس‌های اطلاعاتی، به دنبال آن است تا ضمن مفهوم‌پردازی و ارائه تعریفی جامع از آن، به تبیین علل سیاست‌زدگی بپردازد. نویسنده دو دسته از عوامل درونی و بیرونی را عامل سیاست‌زدگی دانسته و در این میان فقدان هویت اطلاعاتی را مهمترین علت سیاست‌زدگی معرفی می‌کند.

دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی و تحلیل تبعات سیاست‌زدگی بوروکراسی در نظام‌های سیاسی»، معتقدند که بی‌تردید درجه‌ای از دخالت سیاست در اداره قابل پذیرش و طبیعی است اما تزریق پررنگ سیاست منجر به سیاست‌زدگی منفی خواهد شد. در بین نویسندگان خارجی نیز، بار- جوزف^۱ (۱۳۹۴)، فرسون هیبس و فرسون^۲ (۱۳۹۴)، بتس^۳ (۲۰۰۳) و لوونتال (۱۳۹۴) از سرشناس‌ترین نفراتی هستند که در حوزه سیاست‌زدگی به اظهار نظر پرداخته‌اند.

-
1. Bar- Joseph
 2. Pherson Hibbs & Pherson
 3. Betts

بخشی از پیشینه مطالعاتی بر روی سیاست‌زدگی در نظام‌های اداری و اجرایی کشور متمرکز بوده که اساساً این دستگاه‌ها به لحاظ میزان اثرپذیری از سیاست‌زدگی و نقش کارکردی در نظام حاکمیتی کشور، تفاوت بسیار زیاد و چشمگیری با ساختارهای اطلاعاتی دارند. همچنین در این تحقیقات، به سیاست‌زدگی به عنوان یک مفهوم کلی از اثرپذیری دوطرفه اطلاعات و سیاست از یکدیگر پرداخته شد. با توجه به شکاف‌های تحقیقاتی برشمرده شده، این پژوهش با تفکیک بین مفاهیم، علل و تفاوت‌های شکل‌گیری بین دو قسم از سیاست‌زدگی اطلاعات، تلاش دارد شکاف‌های مورداشاره را تکمیل و پیامدهای سیاست‌زدگی اطلاعات بر روی هر یک از دستگاه‌های اطلاعاتی و سیاسی را به تفکیک بیان نماید.

الف) مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۱. مفاهیم و اصطلاحات

سیاست‌زدگی: در فرهنگ آکسفورد به معنای «عمل یا فرایند سیاسی‌سازی یا استوارساختن بر پایه سیاست است؛ در واقع سیاسی شدن چیزی است» (ریسته^۱، ۲۰۰۹: ۱۸۰). در تعریفی دیگر، به مفهوم «انتقال موضوعات به سمت زمینه‌های سیاسی؛ تغییر موضوعاتی که پیش‌تر سیاسی نبوده‌اند، به موضوعاتی سیاسی» است. همچنین فرایندی است که طی آن، سیاست‌گذاران و نمایندگان مرتبط با آن‌ها به تفسیر حقایق و شرایط در فضای سیاسی مدنظر خود می‌پردازند (زورن^۲، ۲۰۱۴: ۴۷)؛ لذا به استفاده از سیاست (ناسالم) به شکل افراطی و سنجش تمام جنبه‌های

1. Riste

2. Zurn

زندگی شخصی و اجتماعی و هنری و ادبی بر اساس آن نیز اطلاق می‌شود (آقابخش‌ی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۵۲۷). از این‌رو اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌هایی که به آفت سیاست‌زدگی مبتلا هستند، شناخت محیط و مسائل پیرامون و افق چشم‌انداز خود را محدود به نگاه از دریچه و روزنه‌ای با شیشه‌ای تکرنگ، یک بعدی و با صبغه و لعاب جناحی ساخته و تمایلات حزبی و سیاسی، دستگاه ادراک و استنباط آنان را در تشخیص و فهم صحیح پدیده‌ها با اختلال مواجه می‌نماید (اقتباس از سالارکیا، ۱۳۹۷: ۴۱ به نقل از افروغ، ۱۳۸۸).

اطلاعات سیاسی شده: سیاسی شده به معنای جایگزینی نظرات رسمی فرد در لفافه‌ای از تمایلات سیاست‌گذاران است (اندرگ^۱، ۱۳۹۲: ۱۱۳)؛ لذا اطلاعات سیاسی شده به آن دسته از تولیدات، تفسیرها، گزارش‌ها یا تحلیل‌های کارکنان اطلاعاتی یا جامعه اطلاعاتی اشاره دارد که به جای واقع‌بینی، به منظور پشتیبانی از گزینه‌ها و نتایج دلخواه سیاست‌گذاران یا خوشایندی مقامات سیاسی، تغییر می‌یابد (اقتباس از لوونتال، ۱۳۹۴: ۳۱۹). به عبارتی دیگر، تحریف عمدی تحلیل اطلاعاتی برای برآورده‌ساختن درخواست‌های سیاست‌گذاران و مدیران اطلاعاتی و به عبارتی جامع‌تر، وفاداری به نگرش‌های شخصی و سیاسی در فرایند تحلیل اطلاعات را شامل می‌شود (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ به نقل از ترورتون^۲، ۲۰۰۸).

سیاسی شدن اطلاعات: وضعیتی است که در آن سیاست‌مداران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، فرآورده‌های اطلاعاتی را تغییر داده و آن را به محصول منطبق با سیاست‌های حزبی خود بدل می‌سازند (اقتباس از خسروی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). برخی دیگر آن را ابزاری می‌دانند که سیاست‌مداران

1. Anderg
2. Treverton

از طریق آن کنترل خود را بر نهادهای اطلاعاتی افزایش می‌دهند (اقتباس از دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰)؛ بنابراین سیاسی‌شدن اطلاعات، عبارت است از تلاش سیاست‌گذاران جهت شکل‌دهی اطلاعات در راستای اولویت‌های سیاسی خود، که می‌تواند به دو شیوه آشکار و پنهان ظاهر شود (معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۴: ۳۶).

استقلال اطلاعاتی: به معنای رهایی سازمان اطلاعاتی از هر نوع سوگیری پیشین در مدیریت و اجرای کارکردهای حرفه‌ای اطلاعات است (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۰).

۲. اطلاعات سیاسی شده

روابط بین دو جامعه اطلاعاتی و سیاسی همواره مقهور مشکلات متنوع و مختلف است. یکی از معروف‌ترین آسیب‌های این ارتباط «اطلاعات سیاسی شده» یا به عقیده آستانا و نیرمال^۱ (۱۳۹۵)، «اطلاعات سازگار شده» است.

دخالت‌دادن گرایش‌ها و سوگیری‌های فکری و عملی در سطوح شخصی، خانوادگی، گروهی (حزبی و جناحی) در کارکردهای حرفه‌ای اطلاعات و مدیریت اطلاعاتی (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۱) به معنای همان اطلاعات سازگار شده یا سیاسی شده است. در واقع منظور از اطلاعات سیاسی شده یا همان سیاست‌زدگی اطلاعات از پایین، دخالت‌دادن سوگیری‌های فردی توسط کارمند اطلاعاتی در فرایند اجرای وظایف اطلاعاتی (اعم از جمع‌آوری، تحلیل، سوزن‌یابی، تهیه گزارش اطلاعاتی، اقدام و...) است. در این شکل، تحریف واقعیت از پایین‌ترین سطح

سازمان آغاز و به سمت سلسله‌مراتب سازمان حرکت می‌کند. از آنجایی که سوگیری‌های فردی، اغلب در پوشش ظاهرسازی‌ها پنهان می‌شود، شناسایی این نوع از سیاست‌زدگی بسیار دشوار است و به راحتی نمی‌توان میزان تحریف محصول تولیدشده را در مقایسه با واقعیت موجود سنجید. از سوی دیگر، با توجه به آن‌که سوگیری‌های فردی ممکن است بسیار متنوع باشد (معمولاً هر فرد، سوگیری‌های شخصی متفاوتی با افراد دیگر دارد)، محصولات تولیدشده در چنین فضایی به علت تحریف‌های متنوع از ناحیه سوگیری‌های مختلف، حالتی کج و معوج به خود می‌گیرند. حتی اگر بتوان وجود این نوع از سیاست‌زدگی را تشخیص داد، به دلیل اینکه در عمل امکان اشراف کامل بر گرایش‌ها و برداشت‌های فکری تک‌تک اشخاص وجود ندارد، نمی‌توان میزان تحریف تولیدشده را سنجید و تصویر درست را از دل آن بیرون کشید (سالارکیا، ۱۳۹۷: ۴۱ و پیروز، ۱۳۹۲: ۳۷).

متخصصین و خبرگان اطلاعاتی نیز می‌توانند به نوبه خود با تأیید دادن انگیزه‌ها و خواسته‌های شخصی خود در تحلیل‌ها و گزارش‌ها، به تحلیل‌های اطلاعاتی جنبه سیاسی (شخصی) بدهند. برآوردهای اطلاعاتی زمانی که واقعاً دارای تأثیرات و پیامدهای سیاسی باشند، عملاً سیاسی می‌شوند.

هرگاه اطلاعات تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر مناظرات و مباحث مهم سیاست دفاعی و خارجی داشته باشد، غالباً اتهام سیاسی شدن اطلاعات پا به عرصه می‌گذارد. به عنوان مثال وقتی تحلیل‌گران اطلاعاتی برآوردهایی به موقع و مناسب در اختیار سیاست‌مداران قرار می‌دهند و نظرات آن‌ها، موضع یکی از طرفین مناقشات سیاسی را تأیید کند، از سوی طرف دیگر متهم به دخالت در امور سیاسی می‌شوند (معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۴: ۴۵). باور عمومی این

است که اگر اخبار و تحلیل اطلاعاتی دچار تحریف شده باشد تا از ترجیحات و تعصبات تصمیم‌گیران پشتیبانی کند، اطلاعات سیاسی شده (بد کارکرده) است. در عوض، اطلاعات باید بی‌طرف و صریح باشد. اگر قرار است از غافل‌گیری جلوگیری شود، اطلاعات باید اخبار بد را هم منتقل کند. این حکم به نظر قطعی می‌رسد (معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

ملاحظات کارشناسی درباره واکنش‌ها و پیامدهای آتی محصولات و برآوردهای اطلاعاتی از سوی تصمیم‌سازان سیاسی، از مهمترین عواملی است که افسران و مدیران اطلاعاتی را در تنظیم برآوردها پیرامون هر مسئله با مشکل و دوراهی منافع شخصی و مصالح کشور، مواجه می‌سازد (پتمن^۱، ۲۰۰۳: ۳۳). اغلب مقامات سیاسی از داده‌های اطلاعاتی استقبال می‌کنند و آن‌ها را در فرایند فکری خود مدنظر قرار می‌دهند. با این حال تحلیل‌گران باید توجه داشته باشند که مقامات سیاسی باید اطلاعاتی را که در اختیارشان قرار داده می‌شود، در چارچوب آنچه از سایر منابع کسب کرده‌اند، نتایج سیاسی هر گزینه و خطرهایی را که آماده پذیرش آن هستند، مدنظر قرار دهند. اطلاعات می‌تواند به تصمیم‌گیری آن‌ها کمک کند؛ ولی به ندرت در این تصمیم‌گیری نقش تعیین‌کننده دارد. چالش اصلی پیش روی مدیران و ویراستاران مطالب اطلاعاتی، شکل‌دادن پیش‌نویس گزارش تحلیل‌گر به گونه‌ای است که باعث شود گزارش مذکور بر شواهد موجود متمرکز شود و سازگار و عاری از انگیزه‌های سیاسی باشد. به گفته بتس، «در صورتی که ویرایش گزارش توسط مدیران به شکل مناسب انجام شود، میزان دخالت سیاست در آن اندک خواهد بود و در نهایت کار، گزارشی تهیه می‌شود که در عین برخورداری از صبغه سیاسی، از فساد سیاسی تهی است» (فرسون هییس و فرسون، ۱۳۹۴، ۲۵۲).

۳. سیاسی شدن اطلاعات

دخالت سیاست‌پیشگان در اطلاعات، تنها در سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی اطلاعاتی و تعیین دستورکار و مأموریت‌های سرویس اطلاعاتی قابل قبول است. به عبارت دیگر در مرحله اعلام نیازمندی‌های اطلاعاتی است که کنش‌گران سیاسی در نقش سیاست‌گذار و مشتری، صلاحیت دخالت در فرایند اطلاعاتی را دارند. علاوه بر آن در مرحله انتشار و توزیع اطلاعات نیز سیاست‌پیشگان، به عنوان مشتری اصلی اطلاعات، این حق را دارند که با دسترسی به محصولات اطلاعاتی مورد نیاز خود، ضمن ارزیابی کیفیت این محصولات در برآوردن نیازهای آنان، صلاحیت نظارتی خود بر سرویس‌های اطلاعاتی را اعمال کنند و طی یک روند بازخوردی، انتظارات خود از سرویس را بیان و در صورت لزوم تغییرات موردنیاز برای بالابردن توانایی آن را پیشنهاد و اجرایی نمایند (نورمحمدی، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ اما همیشه این‌گونه نیست. در موارد زیادی، سیاست‌پیشگان فراتر از این حقوق تعریف‌شده، تمایل دارند به منظور تولید اطلاعات خوشایند در فرایندهای درونی و حرفه‌ای اطلاعات دخالت نمایند. مشکل سیاسی شدن اطلاعات زمانی به وجود می‌آید که سیاست‌گذاران با اعمال فشار زیاد بر تحلیل‌گران و مدیران اطلاعاتی، آن‌ها را وادار کنند که برآوردها و تحلیل‌هایی در راستای حمایت از اولویت‌ها و رویکردهای سیاسی آنان ارائه دهند.

نوع دخالت سیاست‌گذاران در فرایند سیاسی شدن اطلاعات را می‌توان ذیل دو طیف مستقیم و غیرمستقیم جای داد. در حالت اول، سیاست‌گذاران خود به طور مستقیم برای دستکاری و تغییر نتایج تحلیل‌های اطلاعاتی وارد عرصه دخالت می‌شوند. آنان به تحلیل‌گران تأثیرپذیر، پیشنهاد تشویق و تحلیل‌گران بی‌طرف را تهدید و تنبیه می‌نمایند. شکل غیرمستقیم این روند عبارت از

روش‌هایی است که سازمان اطلاعاتی را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد که تحلیل‌های مورد علاقه دخالت سیاست‌گذاران تولید شود. از این دو نوع سیاست‌زدگی اطلاعات به نام سیاست‌زدگی افراطی و سیاست‌زدگی متساهلانه نام برده می‌شود (سالارکبا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۳ به نقل از بتس، ۲۰۰۳).

در یک تقسیم‌بندی دیگر، اعمال فشار از سوی سیاست‌گذاران بر اطلاعات، به دو صورت آشکار و پنهان خواهد بود. نوع آشکار زمانی ایجاد می‌شود که سیاست‌گذاران تعمداً تحلیل‌گران را وادار به ارائه برآوردهایی در راستای تأیید و حمایت از سیاست‌های آن‌ها یا هدایت چرخه اطلاعاتی در جهت تأیید اولویت‌ها و منویات سیاسی جاری می‌نمایند. در وضعیت سیاسی شدن شدید اطلاعات، حتی ممکن است مدیران اطلاعاتی یا سیاست‌مداران به دلیل تهیه اخبار و اطلاعات مغایر با عقاید و برنامه‌های موجود توسط تحلیل‌گران اطلاعاتی اقدام به انتقام‌جویی و مقابله به مثل با آن‌ها نمایند. سیاست‌زدگی آشکار را به سختی می‌توان پنهان نگه داشت چراکه تحلیل‌گران و مدیران اطلاعاتی نفوذ گرایش‌ها و رویکردهای سیاسی در گزارش‌ها و تحلیل‌های اطلاعاتی را به مثابه یک اقدام نادرست و غیرمعقول تلقی کرده و با آن مقابله خواهند کرد (معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۴: ب ۳۶ و سالارکبا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۰ به نقل از وایتز، ۲۰۰۷: ۱۳۹). به صورت کلی، نوع رفتار سیاست‌گذاران در برخورد با اطلاعات در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲: گونه‌شناسی رفتاری سیاست‌گذاران در مواجهه با اطلاعات و نتایج آن

(خلیلی، نادى، ۱۴۰۰: ۳۱۷)

سیاسی شدن اطلاعات یا سیاست‌زدگی از بالا، وقتی اتفاق می‌افتد که ساختارهای جناحی، گروهی و گفتمانی، برداشت مسلط و موردنظر خود از پدیده‌ها و منافع را از طریق کارشناسان یا مدیران اطلاعاتی بر فرایندهای درونی سازمان اطلاعاتی (اعم از سیاست‌گذاری کلان اطلاعاتی تا عملیات‌های حرفه‌ای اطلاعاتی) تحمیل نمایند. بارزترین شکل آن زمانی است که کنش‌گران سیاسی کشور (مانند احزاب، گروه‌ها و مقامات عالی) تلاش می‌کنند سلائیق و برداشت‌های سیاسی خود را در مدیریت حرفه‌ای سرویس اطلاعاتی در ابعاد مختلف آن (اعم از مدیریت منابع انسانی مانند احراز صلاحیت‌ها، گزینش، ارتقا، انتصاب مدیران یا دخالت در شیوه برخورد با سوژه‌ها و موضوعات امنیتی و...) دخالت دهند (سالارکیا، ۱۳۹۷: ۴۱). سیاسی شدن اطلاعات یا سیاست‌زدگی از بالا در صورت وقوع، در سلسله‌مراتب سازمانی از بالا به پایین حرکت می‌کند و به دلیل آنکه گرایش‌ها و سوگیری‌های جریان‌ها و کنش‌گران سیاسی معمولاً شناخته شده‌اند، به

راحتی و به سرعت قابل شناسایی است. البته این نوع از سیاست‌زدگی، تا حدی غیرقابل اجتناب است و به دلیل ماهیت وابسته اطلاعات به سیاست (نورمحمدی، ۱۳۹۵: ۹) میزانی از آن طبیعی است. به عنوان مثال در نظام مردم‌سالار تغییر در مدیران سیاسی عالی نظام، به طور طبیعی منجر به برخی تغییرات در سیاست‌ها و نخبگان اجرایی عالی در سرویس‌های اطلاعاتی می‌شود که امر طبیعی و غیرقابل اجتناب است. با این حال آنچه که این نوع از سیاست‌زدگی را تبدیل به تهدید می‌کند، از یک طرف، رسوخ نگرش حزبی و جناحی و اولویت‌یافتن آن بر معیارهای حرفه‌ای در مدیریت اطلاعاتی و از طرف دیگر، سوءاستفاده کنش‌گران سیاسی حاکم از رانت اطلاعاتی (که قاعدتاً دارای محدودیت در دسترسی است) علیه رقبای سیاسی است (پیروز، ۱۳۹۲: ۳۸).

مداخله بیرونی در سازمان اطلاعاتی می‌تواند در اشکال متفاوتی نظیر وادارساختن تعمدی تحلیل‌گران اطلاعاتی از سوی سیاست‌مداران به ارائه برآوردهایی در راستای تأیید و حمایت از سیاست‌های آن‌ها یا هدایت چرخه اطلاعاتی در جهت تأیید اولویت‌ها و منویات سیاسی جاری بروز کند (وایتز، ۲۰۰۷: ۱۴۳).

۴. دلایل شکل‌گیری اطلاعات سیاسی شده

فضای کلی و بستر درونی سازمان اطلاعاتی تأثیرگذارترین عامل بر شرایط کاری و فکری افسران اطلاعاتی و سبک مدیریتی مدیران آن است (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۰). بر این اساس اطلاعات سیاسی شده ممکن است از طریق دلایل و انگیزه‌های متفاوتی، شکل گیرد:

- **عدم شکل‌گیری هویت اطلاعاتی در کارشناسان و مدیران اطلاعاتی:** به عقیده ونت^۱ (۱۹۹۲: ۳۹۸)، «عدم شکل‌گیری هویت اطلاعاتی، مستعدترین شرایط را برای بازتولید سیاست‌زدگی در اطلاعات به وجود می‌آورد چراکه هویت مبنای منافع و کنش‌های افراد است»؛ لذا فقدان هویت اطلاعاتی، بنیان کنش‌های غیرحرفه‌ای است و متقابلاً کنش اطلاعاتی حرفه‌ای و به‌دور از سیاست‌زدگی، ریشه در هویت حرفه‌ای اطلاعاتی دارد. سیاست‌زدگی نیز نوعی از کنش غیرحرفه‌ای در نزد افسران اطلاعاتی است که ناشی از سلطه هویت غیراطلاعاتی در نزد کارشناسان و مدیران اطلاعاتی است؛ بنابراین عدم شکل‌گیری هویت اطلاعاتی نزد کارکنان یا تسلط هویت‌های دیگر نزد آنان را باید علت اصلی کنش‌های غیرحرفه‌ای‌شان به شمار آورد. از این‌رو اگر هویت غیرحرفه‌ای و غیراطلاعاتی بر کارکنان نهادهای اطلاعاتی مسلط گردد، آن‌گاه تعریف منافع غیراطلاعاتی در نزد آنان منجر به صدور کنش‌های غیراطلاعاتی از سوی آن‌ها خواهد شد (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۱).
- **عدم پایبندی تحلیل‌گران اطلاعاتی بر روش‌های حرفه‌ای تحلیل اطلاعات:** عدم پایبندی مدیران و افسران اطلاعاتی به اصول اخلاق حرفه‌ای اطلاعاتی می‌تواند زمینه‌ساز بروز اطلاعات سیاسی شده، گسترش و رواج تفسیرگرایی در سازمان اطلاعاتی شده و ضمن تأثیرگذاری بر تحلیل‌های اطلاعاتی، موجب بی‌اعتباری نهاد اطلاعاتی نیز گردد (اقتباس از خسروی، ۱۳۹۰:

۱۱۴). استقلال اطلاعاتی به عنوان یک قاعده مهم در کار اطلاعاتی، در وهله اول محصول کنش‌های کارگزاران اطلاعاتی است نه کارگزاران سیاسی. اگر قبول داریم که سیاست‌زدگی بیماری سازمان اطلاعاتی است، باید بدانیم که درک وجود نشانگان‌های یک بیماری در بدن، سریع‌تر از همه توسط فرد بیمار اتفاق می‌افتد. فردی که به نشانگان‌های (سندروم) اولیه بیماری در بدنش بی‌توجهی کند و پس از پیشرفت آن و از سرناچاری و از پرده برون‌افتادن راز بیماری، به پزشک مراجعه کند، نمی‌تواند پزشک را مقصر ناتوانی در کنترل بیماری بداند (پیروز، ۱۳۹۲: ۶۳).

• **آرمانی بودن تفکر وجود افسران و سازمان اطلاعاتی کاملاً مستقل:**

از دست‌دادن واقع‌بینی پیرامون موضوع موردنظر و اولویت‌دادن به گزینه‌ها یا نتایج خاص (لوونتال، ۱۳۹۴: ۳۱۹) از سوی افسران اطلاعاتی و حتی یک سازمان اطلاعاتی، همواره متصور است چراکه اساساً «تصور وجود تشکیلات اطلاعاتی و نیز افسران اطلاعاتی کاملاً مستقل، باطل و غیرممکن است» (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). تمایلات سیاسی و منافع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تولیدکننده‌ها (راجر^۱، ۲۰۰۴: ۳۸۵ و خسروی، ۱۳۹۰: ۱۱۴) یا تلاش برای حمایت بیشتر از سیاست‌گذاران (لوونتال، ۱۳۹۴: ۳۱۹) و دخالت‌دادن سوگیری‌های شخصی و سیاسی در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای توسط مدیران و کارشناسان یا افسران اطلاعاتی (پیروز، ۱۳۹۲: ۳۵)، بعضاً در

یک سازمان اطلاعاتی و حتی جامعه اطلاعاتی موردنظر، تبدیل به امری بدیهی می‌شود.

• **عضویت در نهادها، گروه‌ها و احزاب مختلف واقعی یا مجازی: کنش**

رفتاری افراد در عضویت و وابستگی به یک گروه یا حزب، بیانگر همسانی منافع مورد نظر فرد با منافع آن گروه و حزب است که به نوبه خود نشان‌دهنده تعلق فرد به هویتی است که عضویت در آن حزب برای آن ایجاد می‌کند. از این رو، استخدام افرادی که دارای سابقه عضویت مؤثر و عمیق در گروه‌ها و تشکیلات سیاسی و سوگیرانه را دارند، در سرویس‌های اطلاعاتی به مصلحت نیست؛ چراکه هویت مسلط بر چنین فردی، یک هویت غیراطلاعاتی است و این هویت منجر به کنش‌هایی غیرحرفه‌ای و سوگیرانه از سوی وی می‌شود که با قواعد و هنجارهای تکوینی سرویس‌های اطلاعاتی تناقض دارد. همچنین، عضو شدن کارکنان (پس از استخدام در سرویس اطلاعاتی) در نهادها، گروه‌ها و تشکیلات سیاسی و سوگیرانه نیز به این دلیل ممنوع است که در طول زمان و در نتیجه تعامل این فرد با ساختار جدید، منجر به شکل‌گیری هویت جدیدی در افسر اطلاعاتی می‌شود که در واقع رقیب هویت حرفه‌ای اطلاعاتی اوست (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۲).

• **نگرانی جامعه اطلاعاتی از احتمال افشای علنی اطلاعات: گاهی جامعه**

اطلاعاتی از احتمال افشای اطلاعات حساس توسط سیاست‌گذاران نگران است و همواره این ریسک وجود دارد که مقامات اطلاعاتی با در اختیار

قراردادن اطلاعات محرمانه، اقدام به نشست اطلاعات نمایند؛ لذا ترس جامعه اطلاعاتی یا مقامات اطلاعاتی از احتمال افشای علنی یا نشست اطلاعات حساس و محرمانه از سوی سیاست‌گذاران (بر اساس سوابق اقدامات پیشین دستگاه سیاسی و دولتمردان) با هدف امتیازگیری سیاسی، تقویت جایگاه خود یا تخریب رقبا و... می‌تواند سبب دستکاری در تحلیل‌ها و اطلاعات ارائه‌شده به سیاست‌گذاران شود (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۸).

• **تضاد میان منافع فردی کارکنان اطلاعاتی با منافع سازمان اطلاعاتی:**

وحدت منافع فردی و سازمانی و در یک راستا قرارگرفتن آن‌ها، یکی از عوامل اصلی انسجام سازمانی به شمار می‌آید. اساساً در صورتی که سازمان قادر به تعریف منافع مستخدمین خود با توجه به هویت و قواعد سازمان نباشد، چشم‌انداز اداری و کاری آن مبهم و توأم با ناکامی خواهد بود. هویت مبنای منافع است و ریشه تضاد منافع را باید در تضاد یا اختلاف در هویت‌ها جستجو کرد. تضاد منافع فردی و سازمانی اگر عمیق و بنیادین باشد، ناشی از تناقض میان هویت فرد با هویت سازمان است. اگر فرایند شکل‌گیری هویت اطلاعاتی حرفه‌ای در سازمان به‌درستی طراحی شده باشد و مدیران و مؤسسان سازمان، بر قواعد و هنجارهای تکوینی هویت اطلاعاتی پافشاری کنند، کارکنان سرویس نیز در تعامل با سازمان و دیگر کارگزاران تحت سلطه هویت اطلاعاتی قرار می‌گیرند و آنگاه تضادی میان منافع فردی و سازمانی به وجود نخواهد آمد. در حالی که اگر قواعد تکوینی هویت اطلاعاتی، توسط

ساختار و کارگزاران رعایت نشود، آن‌گاه کارکنان اندک‌اندک تحت سلطه هویت‌های غیرحرفه‌ای قرار گرفته و منافع آنان اقتضای کنش‌های غیرحرفه‌ای را خواهد داشت که ممکن است منجر به سیاست‌زدگی کنش‌ها نیز شود (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۳).

- **تحلیل بیشتر نقش‌های اجرایی به سازمان اطلاعاتی:** هرچه سازمان‌های اطلاعاتی از نقش‌های نظارتی و مشاورتی خود فاصله گرفته و به نقش‌های اجرایی بیشتری تمایل داشته باشند، تمایل آنان به مداخله در موضوعات سیاسی و میل سیاسی آنان، بیشتر می‌شود (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۹) و این امر بر تحلیل‌های اطلاعاتی آنان به دلیل منفعت مستقیم اثرگذار است.
- **تسری سیاست‌زدگی و عدم رعایت قواعد حرفه‌ای اطلاعاتی با انتصاب مدیران اطلاعاتی سیاسی:** انتصاب مدیران اطلاعاتی سیاسی را باید یک شاخص آشکار برای عدم رعایت قواعد تکوینی سرویس اطلاعاتی در فرایند مدیریت اطلاعاتی دانست. مدیر اطلاعاتی سیاسی در واقع موقعیت خود را نه به خاطر هویت اطلاعاتی و شایستگی و تجربه در سرویس، بلکه به خاطر تعلق به هویت غیرحرفه‌ای به دست آورده است. از این‌رو کاملاً طبیعی است که کنش‌های آن در راستای منافی باشد که هویت غیرحرفه‌ای آن را تعریف می‌کند. واضح است که سلطه هویت غیرحرفه‌ای نیز اندک‌اندک کنش‌هایی سوگیرانه و سیاست‌زده از مدیر سیاسی را صادر می‌کند. از سوی دیگر، تقلید از الگوها یکی از فرایندهای شکل‌گیری هویت افراد است. مدیر سیاسی به

عنوان یک الگوی عملی در برابر کارکنان اطلاعاتی قرار دارد. کارکنان با مشاهده ارتقا و انتصاب او بر اساس تعلق به هویت غیراطلاعاتی و همچنین با مشاهده کنش‌های غیرحرفه‌ای او، به تدریج یاد می‌گیرند که در کنش‌های خود نیز غیرحرفه‌ای عمل کنند؛ لذا هویت غیراطلاعاتی مدیران، تدریجاً هویت کارکنان را نیز به سمت هویت‌های غیرحرفه‌ای تغییر می‌دهد و از این طریق منجر به توسعه دامنه کنش‌های سیاست‌زده و سوگیرانه می‌شود (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۴).

- **نوع و میزان نظارت بر اطلاعات: نظارت متغیر مؤثری بر سیاست‌زدگی اطلاعات است.** نظارت اجرایی، تقنینی، قضایی و رسانه‌های عمومی در صورت ضعف، مهمترین عامل ایجاد پیش‌آیندها و بسترهای سیاست‌زدگی و در صورت کاربودن، مهمترین عامل جلوگیری از وقوع سیاست‌زدگی هستند. هنگامی که نظارت دقیقی بر فضای مملو از پارادوکس سازمان اطلاعاتی اعمال نشود، این پیام را برای مخاطبان مخابره می‌نماید که می‌توانند و اجازه سوءاستفاده و سوءرفتار دارند. به صراحت «نوع نظارت بر اطلاعات»، مهمترین بستر سیاست‌زدگی یا عدم آن را برای سازمان اطلاعاتی فراهم می‌آورد (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۱ و خسروی، ۱۳۹۰: ۱۱۴).
- **پیوندهای قوی داخل سازمان اطلاعاتی تأثیرگذار بر کارکردها و گزارش‌های تحلیلی:** هر چه پیوند میان بخش‌های عملیاتی و تحلیلی در داخل سازمان اطلاعاتی مستحکم‌تر باشد، میزان خطر تأثیرگذاری نیازهای

عملیاتی بر تجزیه و تحلیل اطلاعاتی نیز بیشتر خواهد بود و هنگامی این چنین می‌شود که نیازهای عملیاتی بر ضروریات تحلیلی ترجیح داده شود (بار- جوزف، ۱۳۹۴: ۳۰). به عبارتی دیگر، چنانچه وزن رویکرد «حمایت و همراهی» بخش‌های درونی سازمان اطلاعاتی از یکدیگر، به وزن «عملکرد و کارکرد اثربخش» آنان، چیره شود، این امکان وجود دارد که بخش‌های تحلیلی به منظور جلوگیری از تضعیف سایر بخش‌های سازمان اطلاعاتی از جمله عملیات، قسمت‌هایی از تحلیل‌های خود را دچار تغییر نموده و پیوندهای درون‌سازمانی را به اطلاعات واقع‌بینانه و صحیح، ترجیح دهند و از این رهگذر، اطلاعات سیاسی شده تحویل سیاست‌گذاران یا مسئولان اطلاعاتی شود.

• **ارتقای کارشناسان اطلاعاتی بر اساس روابط گروهی و نه شایستگی**

حرفه‌ای: معیارها و قواعد حرفه‌ای در تشویق و ارتقا یا تنبیه افسران اطلاعاتی، مهمترین رویه درون‌سازمانی برای بازتولید و انسجام یا شالوده‌شکنی از هویت اطلاعاتی حرفه‌ای است. رعایت هنجارها و قواعد حرفه‌ای و تأکید بر ویژگی‌های حرفه‌ای در رشد اداری و کاری افسران اطلاعاتی، ضمن آنکه منجر به افزایش کارایی و کارآمدی سرویس می‌شود، با ایجاد الگوهای مطلوب از هویت اطلاعاتی حرفه‌ای، سایر کارکنان را به تقلید و الگوگرفتن از آنها وامی‌دارد و تدریجاً منجر به گسترش هویت اطلاعاتی در تمام سرویس می‌شود. اما اگر روابط جایگزین ضوابط و قواعد شوند، افسران اطلاعاتی به

شکلی مستقیم تشویق به عبور از قواعد حرفه‌ای کار و توسل به قواعد غیرحرفه‌ای جهت رشد اداری و تأمین منافع خود می‌شوند. حال اگر عضویت در یک گروه درون‌سازمانی باعث رشد کارکنان شود، به طور غیرمستقیم آن‌ها یاد می‌گیرند که عضویت در گروه‌های بزرگ‌تر برون‌سازمانی، می‌تواند ارتقا و منافع بزرگ‌تری را برایشان به ارمغان آورد؛ لذا می‌توان این شرایط را یکی از زمینه‌سازهای اصلی نقض قواعد حرفه‌ای اطلاعاتی توسط افسران به شمار آورد. همچنین عنصر ناامیدی و یأس از آینده کاری که نتیجه مشاهده ارتقای کارکنان غیرشایسته اما وابسته به گروه‌ها است، کارکنان نخبه و توانمند را به کم‌کاری و بی‌انگیزگی یا حرکت جدی‌تر برای تشکیل گروه‌های درون‌سازمانی یا ارتباط با گروه‌های برون‌سازمانی وامی‌دارد (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۵).

- در بررسی دلایل دیگر، محققینی چون هندل^۱، بر متغیرهایی نظیر ایدئولوژی در سیاسی شدن اطلاعات تأکید دارند. همچنین توسل به محاسبه‌گری تولیدکننده‌های اطلاعات با گرایش منفعت‌طلبی (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)، منافع شغلی کارشناسان یا مسئولان اطلاعاتی یا حتی باج‌خواهی مستقیم از سوی آنان (لوونتال، ۱۳۹۴: ۳۱۹) می‌تواند زمینه‌ساز وقوع اطلاعات سیاسی شده باشد، چراکه منافع شخصی، از جمله دلایلی هستند که بر ذهنیت افراد و مراحل اجرای هر فعالیت اطلاعاتی، تأثیر می‌گذارند (راجر، ۲۰۰۴: ۳۸۵).

۵. دلایل سیاسی شدن اطلاعات

سیاسی شدن اطلاعات در واقع ناشی از تأثیر متغیرهای برون‌سازمانی بر کارکردهای حرفه‌ای اطلاعات است. در این میان مقامات ارشد سیاست‌گذاری کشور (مانند رئیس‌جمهور، وزرا و نمایندگان مجلس) و جایگاه و موضع ساختاری نهاد اطلاعاتی در درون نظام سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حرفه‌ای‌گری یا غیرحرفه‌ای‌شدن کنش‌های اطلاعاتی دارند. مهمترین دلایل سیاسی شدن اطلاعات عبارتند از:

- رفتار نادرست سیاست‌گذاران در برخورد با اطلاعات: فلسفه آنکه واژه «سرویس» را در اطلاق به سازمان‌های اطلاعاتی به کار می‌بردند، ارائه خدمات اطلاعاتی به سیاست‌گذاران است. اگر سیاست‌گذار درک درستی از توانایی‌ها و نقص‌ها و به طور کلی ویژگی‌های این ابزار نداشته باشد، قادر به استفاده مناسب و کارآمد از آن نخواهد بود. عدم شناخت درست و مناسب از اطلاعات و به‌ویژه چگونگی استفاده از آن در کشورداری، موجب سیاست‌زدگی و غیرحرفه‌ای‌شدن آن می‌شود و فقدان آگاهی از اطلاعات و نشناختن آن به عنوان یک ابزار کشورداری، منجر به کنارماندن یک ابزار بسیار مفید در اداره بهتر امور می‌گردد. هنگامی که سیاست‌گذاران ارشد در فرایند سیاست‌گذاری و کشورداری از اطلاعات استفاده نکنند، مدیران و افسران اطلاعاتی جهت مقابله با این بی‌توجهی، لاجرم به دیگر سیاست‌گذاران (در رده‌های پایین‌تر یا سیاست‌گذاران در حاشیه) نزدیک می‌شوند تا از این طریق خلأ حضور خود در عرصه کشورداری را جبران کنند. این نزدیکی‌ها اندک‌اندک منجر به سیاسی‌شدن مدیران و افسران مرتبط با

سیاست‌گذاران (که بعضاً نیز در حاشیه بوده‌اند) می‌شود و به علت احساس نزدیکی که میان مدیران اطلاعاتی با این دسته از سیاست‌گذاران وجود دارد، سوگیری‌هایی در کنش‌های اطلاعاتی به نفع این سیاست‌گذاران ایجاد می‌گردد. (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۶).

- **وابستگی اطلاعات از نظر بوروکراتیک به سیاست:** اطلاعات متغیری وابسته به سیاست است. در چنین وضعیتی اگر سازمان‌های اطلاعاتی به منظور دستیابی به اهداف خود به سیاست‌گذاران تکیه نمایند، زمینه تحریف و سیاست‌زدگی آماده خواهد شد. معمولاً سیاست‌گذاران، آن دسته از انگیزه‌های اداری در سرویس‌های اطلاعاتی را شناسایی می‌کنند که امکان استفاده به عنوان اهرم اعمال نفوذ بر محتوای برآوردهای اطلاعاتی از جانب آن‌ها متصور است. وابستگی سازمانی سرویس‌های اطلاعاتی، اشکال گوناگونی دارد. در موارد سخت، سیاست‌گذاران می‌توانند با تهدید به قطع تمامی منابع یا مخدوش کردن استقلال سرویس اطلاعاتی موردنظر، آن را کنترل نمایند (سالارکيا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۶). به هر حال «سلطه سیاست‌مداران بر سازمان‌های اطلاعاتی از جمله سلطه‌های اداری، مالی، ساختاری و... می‌تواند زمینه‌ساز سیاسی شدن اطلاعات باشد» (اقتباس از خسروی، ۱۳۹۰: ۱۱۴).
- **شخصیت رهبران یا سیاست‌گذاران ارشد:** رهبران مقتدر اغلب می‌توانند دستگاه امنیت ملی را تحت کنترل و اراده خویش درآورده و در نتیجه شدت رقابت بوروکراتیک که منجر به بروز سوءرفتارهای شخصی درون این دستگاه می‌شود را

محدود کنند؛ اما رهبران ضعیف، موجب می‌شوند زیردستانشان آزادی عمل بیشتری یافته و در نتیجه زمینه رقابت بوروکراتیکی شدید و حتی لجام‌گسیخته فراهم شود که در این حالت، مداخله اطلاعات و سیاست در کار یکدیگر از حد استثنا خارج شده و امری عادی تلقی می‌شود (بار- جوزف، ۱۳۹۴: ۳۳).

- **سیاست‌زدگی ساختاری سرویس:** منظور از سیاست‌زدگی ساختاری، نوعی از سازماندهی نهاد اطلاعاتی در نظام سیاسی است که به‌طور نظام‌مند تحولات درونی آن را وابسته به دگرگونی‌های توزیع قدرت در رأس نظام سیاسی بنماید یا بسترهای قانونی در خصوص سرویس اطلاعاتی را به گونه‌ای تدوین کند که به مداخله سیاست‌گذاران در فرایندهای حرفه‌ای سرویس اطلاعاتی مشروعیت قانونی بدهد. به عنوان مثال اگر سرویس اطلاعاتی زیرمجموعه مستقیم قدرت سیاسی ناپایدار (مانند دولت در نظام‌های مردم‌سالار که با انتخابات تغییر می‌کند) باشد و محدودیتی برای مداخله سیاست‌گذاران در فرایندهای حرفه‌ای تعیین نشده باشد، می‌توان انتظار سیاست‌زدگی ساختاری از بالا در اطلاعات را داشت. جایگاه سرویس اطلاعاتی در نظام سیاسی باید به لحاظ ساختاری مستقل و تا حد امکان، دور از سیاست‌زدگی تعریف گردد. در واقع در صورت وابستگی ساختاری افراطی نهاد اطلاعاتی به نهادهای سیاسی، با هر نوع تغییر در بازیگران سیاسی، اهداف سرویس نیز متأثر شده و چون نمی‌شود کل سیستم اطلاعاتی را با سیاست‌های بیرونی هماهنگ کرد، سرویس دچار عارضه می‌شود؛ نه مأموریت‌های محوشده را به نحو احسن انجام می‌دهد و نه می‌تواند با سیاسیون

جدید به طور کامل همراهی کند (چون کل سیستم همراه نمی‌شوند). لذا به طور ابزاری مورد بهره‌برداری سیاسیون قرار گرفته و این وضعیت با هر نوع تغییر در بازیگران سیاسی تجدید می‌شود. نکته مهم آن است که بعد از هر بار تغییر در بازیگران سیاسی، تمام کارکنانی که در خدمت سیاسیون قبلی بوده‌اند، دچار ریزش شده و در اصل سرویس اطلاعاتی و در مرتبه بالاتر، نظام سیاسی متضرر می‌شود. به گونه‌ای که بی‌ثباتی و غیرحرفه‌ای بودن مناسب‌ترین صفت برای این سرویس اطلاعاتی است (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۸).

- **قرابت میان سیاست‌گذاران و افسران اطلاعاتی (به ویژه مدیران اطلاعاتی):**
براساس شواهد، احتمال سیاسی شدن اطلاعات زمانی افزایش می‌یابد که مقامات اطلاعاتی با سیاست‌گذاران تعامل نزدیک داشته باشند. در این حالت احتمال زیادی وجود دارد که سیاست‌گذاران، آن‌ها را متقاعد به تهیه اطلاعاتی کنند که رضایت آنان را فراهم کند. سیاست‌گذاران می‌توانند این کار را با بهره‌گیری از بلندپروازی و اشتیاق مقامات و کارشناسان اطلاعاتی برای حضور در عرصه سیاست یا فرایندهای سیاسی انجام دهند (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۲). با توجه به توضیحات فوق، مهمترین دلایل دخالت سیاست‌گذاران در فرایندهای درونی اطلاعات در قالب شکل ۳ ترسیم شده است:



شکل ۳: مهمترین دلایل دخالت سیاست‌گذاران در فرایندهای درونی اطلاعات

(خلیلی، نادى، ۱۴۰۰: ۳۱۵)

۶. پیامدهای سیاست‌زدگی اطلاعات

اطلاعات سیاسی‌شده، میوه ممنوعه و یک گناه فاجعه‌بار در اطلاعات به شمار می‌رود که تناول آن، سقوط اطلاعات به حضيض را در پی خواهد داشت. به همین دلیل، بسیاری خطر دوخته‌شدن قباى اطلاعات به اندازه دیدگاه‌های مقامات سیاسى را به عنوان بدبختی نهایی نظام اطلاعات معرفی نموده‌اند (اقتباس از معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۴ الف: ۲۶۴). عوامل اطلاعاتی خیلی زود می‌آموزند که مافوق خود را از اخباری مطلع نسازند که می‌دانند با عقل سلیم همخوانی ندارد، مدیران اطلاعات نیز سریعاً یاد می‌گیرند که برای بقا و کامیابی در حرفه خود، بهتر است سیاست‌گذاران را از اخباری مطلع نسازند که تمایلی به شنیدن آن ندارند یا با تعصبات و باورهایی که باعث آسودگی خاطر آن‌ها می‌شود، همخوانی ندارد (پتمن، ۲۰۰۳: ۳۳).

سیاست‌زدگی اطلاعات، پدیده پیچیده‌ای است و در ادبیات اطلاعاتی، آن هنگام به وقوع می‌پیوندد که تحلیل‌گران اطلاعات چه عمدی و چه سهوی، به نحوی منحرف شوند که نتایجی را که سیاست‌گذاران از آن‌ها می‌خواهند برای آن‌ها تهیه کنند به جای آن‌که حقیقت را در اختیار آن‌ها قرار دهند (جانسون و وایتز^۱، ۲۰۱۱: ۱۶۵). در این صورت انحراف واقعی از وظیفه ذاتی اطلاعات که بیان حقیقت به قدرت است، رخ داده است. به شکلی که یکی از تحلیل‌گران اطلاعاتی اذعان می‌دارد: «سیاست‌زدگی همانند مه است؛ با این که نمی‌توان آن را در دست گرفت یا لمس کرد یا آن را مانند رنگ به دیوار زد اما وجود دارد و بر جریان زندگی تأثیرگذار است» (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷ به نقل از خارویس^۲، ۲۰۰۶: ۳). به طور کلی اگر سیاست‌زدگی اطلاعات عبارت باشد از این که «اطلاعات در راستای سیاست‌های منتخب قرار گیرند» سیاست‌گذاری، آنگاه سیاست‌گذاری اطلاعات در انواع پنج‌گانه زیر ظهور می‌یابد (تحت تأثیر قرار می‌گیرد):

- سیاست‌گذاران قادر باشند گزارش‌های اطلاعاتی را آن‌گونه که می‌خواهند و می‌پسندند مورد استفاده قرار دهند؛
- سازمان‌های اطلاعاتی به منظور اهداف خاص سیاسی تأسیس و به کار گرفته شوند؛
- مدیران اطلاعاتی و افسران اطلاعاتی گماشته‌های سیاسی یا وابسته به احزاب و جریان‌های سیاسی باشند؛

• یک نظام کنترل و موازنه ضعیف میان قوای حکومتی وجود داشته باشد و باعث شود یکی از قوا بر سایرین تسلط یابد؛

• سوگیری‌های سیاسی کارکنان اطلاعاتی در تحلیل‌ها و فعالیت‌های اطلاعاتی به نحوی جایگاهی برای عرضه پیدا کند (سالارکيا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

مهمترین پیامد سیاسی شدن دستگاه اطلاعاتی، ضربه به هویت حرفه‌ای سازمان و کارکنان آن است. تخریب هویت حرفه‌ای اطلاعاتی به نوبه خود منجر به ایجاد موجی از تحولات مخرب در درون سرویس‌های اطلاعاتی می‌شود که در صورت عدم کنترل و مقابله با آن تمام ابعاد فعالیت‌های سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیاست‌زدگی نه تنها کیفیت کار اطلاعاتی را کاهش می‌دهد، بلکه محیط درونی سازمان را در اثر سوگیری‌ها و تعصبات جناحی و سلیقه‌ای دچار محدودیت‌ها و انقباض‌های فکری نموده و فضای «تفکر انتقادی- اطلاعاتی» را که لازمه یک نهاد ملی و حاکمیتی است از بین می‌برد. عدم تحمل دیدگاه‌های اطلاعاتی در قبال جریان‌ها، کنش‌گران سیاسی و سیاست‌های اجرایی، از سوی مدیران دستگاه اطلاعاتی سیاست‌زده در ادامه منجر به تضاد فکری و کاری بر سر موضوعات میان طیف‌های مختلف در سرویس شده و نتیجه طبیعی آن، ریزش نیروهای کارشناسی در اثر سوگیری‌های سیاسی خواهد بود (پیروز، ۱۳۹۲: ۴۹). سیاست‌زدگی اطلاعات، اگرچه قبل از هر چیز بر کارآمدی و هویت سازمان اطلاعاتی اثر می‌گذارد، اما این اثرگذاری، محدود به سازمان نبوده و دامنه پیامدهای آن، نظام سیاسی را با بحران و بی‌نظمی مواجه می‌کند. شاخص احصای وجود سیاست‌زدگی در هر سازمان اطلاعاتی نیز کیفیت محصولات تولیدشده و برآوردهای اطلاعاتی است، به این معنا که هر اندازه

محصولات و فرآورده‌های اطلاعاتی از ارزش و مقدار حداقلی برخوردار باشند، نشانگر خروج آن سازمان از چرخه حرفه‌ای تولید اطلاعات است (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

سرویس اطلاعاتی سیاست‌زده به علت تولید محصولات تحریف‌شده (ناشی از دخالت سوگیری‌های شخصی، حزبی و فکری در تهیه محصولات اطلاعاتی)، به تدریج اعتماد سیاست‌گذاران و افکار عمومی به خود را از دست می‌دهد. ضمن اینکه دستگاه اطلاعاتی سیاست‌زده به علت حمایت‌های سوگیرانه از گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی در مقاطع مختلف، اعتبار ملی و وجهه حاکمیتی خود را از دست داده و تبدیل به یک بازیچه در دست سیاست‌گذاران می‌گردد. کاهش اعتماد و اعتبار سرویس اطلاعاتی نزد سیاست‌گذاران به علت سیاست‌زدگی، منجر به بی‌توجهی آن‌ها به تحلیل‌ها و مشاوره‌های اطلاعاتی شده و در نتیجه از مقامات اطلاعاتی جهت شرکت در جلسات سیاست‌گذاری دعوت به عمل نمی‌آید. عدم دسترسی مقامات اطلاعاتی به سیاست‌گذاران را هم می‌توان مرگ اداری اطلاعات به حساب آورد (لوونتال، ۲۰۰۳: ۱۴۸).

سیاست‌زدگی رابطه مثبتی با اوج گرفتن رفتارهای غیرسازمانی دارد. به این معنا که هرچه سیاست‌زدگی در سازمانی بیشتر شود، رفتارهای غیرسازمانی افزایش می‌یابد و در نهایت شاهد اوج حداکثری رفتارهای غیرسازمانی خواهیم بود. از جمله این رفتارها می‌توان موضوعات زیر را برشمرد: پوپولیسم سازمانی (عوام‌گرایی)، آنارشیزم سازمانی (نظم‌گریزی و توجیه‌کاری اقدامات، قانون‌گریزی)، تسلط گروه‌های غیررسمی بر سازمان (رانت سازمانی)؛ اپورتونیزم سازمانی (فرصت‌طلبی و سودجویی سازمانی). همه این رفتارها، تأثیرات جدی منفی بر عملکرد و کارآمدی دستگاه اطلاعاتی و سیاسی می‌گذارد (سالارکیا، ۱۳۹۷: ۴۸). به عقیده خسروی (۱۳۹۰)، سیاست‌زدگی اطلاعات، پیامدهای خطرناکی برای هر دو سیستم اطلاعاتی و سیاسی به همراه

دارد. از جمله اینکه موجب ضعف، اختلال و انحراف در روند و روش تحلیل و برآوردهای اطلاعاتی می‌شود که از مهمترین این انحرافات، ذهن‌گرایی مفرط و تفسیرگرایی است. این انحراف، از یک سو، موجب شکست و ناکارآمدی سیستم اطلاعاتی و در نتیجه، بی‌هویتی آن نزد مقامات و افکار عمومی می‌شود و از سوی دیگر، با ایجاد آنتروپی مثبت در نظام سیاسی، موجب غافل‌گیری و شکست سیاست‌ها و اهداف کلان نظام و دولت می‌شود.

ج) روش پژوهش

این پژوهش برای هر یک از سؤالات تحقیقی، رویکرد مجزایی را دنبال نموده است. برای سؤال اول پژوهش، از راهبرد کیفی و روش مطالعه تفسیری و از فیش‌برداری به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات بهره گرفته شد. جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه متون و منابع نظری دست اول و یافته‌های تحقیقاتی نویسندگان برجسته علوم اطلاعاتی و امنیتی در جامعه اطلاعاتی یا سیاست خارجی بود. از نمونه‌گیری هدفمند «نظریه مدار یا سازه عملیاتی^۱» و از روش «تحلیل موضوعی^۲» برای سازماندهی اطلاعات استفاده شد.

برای پاسخ به سؤال دوم، پژوهش از راهبرد کمی و روش تحقیق توصیفی (از نوع پیمایشی) استفاده کرد. با توجه به قلمرو موضوعی، اعضای جامعه آماری شامل چهار طیف (اعضای هیئت علمی مراکز و مؤسسات جامعه اطلاعاتی، اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های شهر تهران، مدیران و مسئولین اطلاعاتی، مدیران و مسئولین سیاسی) بوده‌اند. حجم نمونه آماری به شرح جدول ۱ شامل ۶۷ نفر از مسئولان اطلاعاتی و سیاسی در دسترس و

-
1. Theori- based or operational construct sampling
 2. Thematic Analysis

همچنین اعضای دانشکده‌ها و دانشگاه‌های جامعه اطلاعاتی کشور و دانشکده‌های علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز بوده‌اند.

جدول ۱- وضعیت جمعیت شناختی اعضای نمونه آماری سؤال دوم پژوهش

وضعیت جمعیت شناختی				عنوان مؤلفه
بالاتر از ۵۰ سال	۴۱ تا ۵۰ سال	۳۱ تا ۴۰ سال	زیر ۳۰ سال	سن
۱۲	۴۳	۱۲	۰	
دکتری	دانشجوی دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	تحصیلات
۳۳	۱۳	۲۱	۰	
مدیران و مسئولین سیاسی	مدیران و مسئولین اطلاعاتی	عضو هیئت علمی دانشکده‌های علوم سیاسی شهر تهران	عضو هیئت علمی مراکز و مؤسسات اطلاعاتی	شغل
۵	۳۴	۹	۱۹	
بالاتر از ۲۵ سال	۲۱ تا ۲۵ سال	۱۶ تا ۲۰ سال	زیر ۱۵ سال	سابقه کاری
۳۰	۹	۱۴	۱۴	

انتخاب نمونه‌های پژوهش، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده و اطلاعات به شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده است. برای دستیابی به پرسش‌نامه پژوهش، پس از بررسی پیشنهادی تحقیقاتی، فهرستی متشکل از ۳۶ پیامد برای سازمان‌های اطلاعاتی و ۱۳ پیامد برای نظام سیاسی ناشی از سیاست‌زدگی

شناسایی شد. برای سنجش روایی، پرسش‌نامه اولیه، به رؤیت تعدادی از صاحب‌نظران علوم اطلاعاتی و علوم سیاسی رسید و پس از ویرایش لازم و تغییر برخی از سؤال‌های پرسش‌نامه و جایگزینی با سؤال‌های مناسب‌تر، از پرسش‌نامه با ۳۰ پیامد برای سازمان‌های اطلاعاتی و نه پیامد برای نظام سیاسی (جمعاً ۳۹ پیامد) استفاده شد (روایی محتوایی). سؤال‌های پرسش‌نامه، به تفکیک پیامد برای سازمان‌های اطلاعاتی و نظام سیاسی، به شرح جدول‌های ۲ و ۳ است.

جدول ۲: فهرست پیامدهای سیاست‌زدگی برای سازمان‌های اطلاعاتی

ردیف	پیامدهای شناسایی شده	منابع مرتبط از پیشینه‌های پژوهش
۱.	ضربه به هویت حرفه‌ای سازمان و کارکنان اطلاعاتی	ونت (۱۹۹۲) - پیروز (۱۳۹۲)
۲.	انحراف واقعی سازمان اطلاعاتی از وظیفه ذاتی «بیان حقیقت اطلاعاتی به قدرت سیاسی»	جانسون و وایتز (۲۰۱۱) - سالارکيا و همکاران (۱۳۹۶) - خارویس (۲۰۰۶)
۳.	حاکمیت مدیران سیاسی و غیرحرفه‌ای در بخش‌های مختلف سرویس اطلاعاتی	پیروز (۱۳۹۲)
۴.	خروج سازمان اطلاعاتی از چرخه حرفه‌ای تولید اطلاعات	خسروی (۱۳۹۰)
۵.	فساد در بی‌طرفی نظام اطلاعاتی (جایگزینی و پیگیری اهداف سیاسی و جناحی به جای اهداف و مأموریت‌های اصلی سازمان از سوی مدیران و مسئولین اطلاعاتی با نگرش‌های سیاسی)	فرسون هبیس و فرسون (۱۳۹۴) - معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۵) - سالارکيا (۱۳۹۷) - پیروز (۱۳۹۲) - سالارکيا و همکاران (۱۳۹۶)
۶.	تحریف واقعیت‌ها به علت تسلط سوگیری‌های فکری و سلیقه‌ای کارشناسان و مدیران اطلاعاتی	لوونتا (۲۰۰۳)

ردیف	پیامدهای شناسایی شده	منابع مرتبط از پیشینه‌های پژوهش
۷.	افزایش تعصبات جناحی و سلیقه‌ای بین کارکنان اطلاعاتی	پتمن (۲۰۰۳) - معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۵)
۸.	جایگزینی معیارهای سیاسی به جای معیارهای حرفه‌ای در فرایندهای درونی سازمان اطلاعاتی	پیروز (۱۳۹۲)
۹.	بروز سوگیری‌های سیاسی و حاکمیت ذهن‌گرایی و تفسیرگرایی در تحلیل‌های اطلاعاتی	خسروی (۱۳۹۰)
۱۰.	افشای احتمالی اطلاعات حساس کشور (به خطر افتادن امنیت ملی کشور)	سالارکيا و همکاران (۱۳۹۶)
۱۱.	افزایش احتمال غافل‌گیری و ناکامی اطلاعات	معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۵) - خسروی (۱۳۹۰)
۱۲.	انسداد مسیرهای یادگیری و پیشرفت حرفه‌ای کارکنان اطلاعاتی ناشی از فضای سیاست‌زده و جابه‌جایی شاخص‌های ارتقای سازمانی از شایستگی و ضوابط به تظاهر و روابط	پیروز (۱۳۹۲)
۱۳.	افزایش موازی‌کاری در جامعه اطلاعاتی	وایتز (۲۰۰۷)
۱۴.	ضعف کارآمدی و عملکردی سازمان اطلاعاتی	خسروی (۱۳۹۰)
۱۵.	قرارگرفتن فعالیت‌های جاری اطلاعات تحت تأثیر چنددستگی در جریان‌های سیاسی، جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متعارض، تشکیل مستمر فضاهاى خودی و غیر خودی و اقدامات خودسرانه در سازمان	لوونتال (۱۳۹۴)
۱۶.	بهره‌گیری از سازمان اطلاعاتی به منظور اهداف سیاسی خاص	سالارکيا و همکاران (۱۳۹۶) - لوونتال (۱۳۹۴)
۱۷.	تبدیل شدن مدیران و افسران اطلاعاتی به گماشته‌های سیاسی یا وابسته به احزاب و جریان‌های سیاسی	سالارکيا و همکاران (۱۳۹۶)

ردیف	پیامدهای شناسایی شده	منابع مرتبط از پیشینه‌های پژوهش
۱۸	امکان بروز تنش، استرس، ناآرامی و تضادهای فکری و کاری بین طیف‌های مختلف در سازمان اطلاعاتی	پیروز (۱۳۹۲)
۱۹	خود اجتهادی کارشناسان اطلاعاتی به جای رعایت تشریفات و سلسله‌مراتب اداری در تصمیم‌گیری‌ها	نورمحمدی (۱۳۹۵)
۲۰	افزایش رفتارهای غیرسازمانی و رانتی در سازمان‌های اطلاعاتی	سالارکیا (۱۳۹۷) - پیروز (۱۳۹۲)
۲۱	افزایش محدودیت‌ها و انقباض‌های فکری و کاهش فضای تفکر انتقادی	پیروز (۱۳۹۲)
۲۲	کاهش اعتماد سیاست‌گذاران و افکار عمومی به سازمان اطلاعاتی	لوونتال (۲۰۰۳) - خسروی (۱۳۹۰)
۲۳	خنده‌دار شدن اعتبار ملی و وجهه حاکمیتی سازمان اطلاعاتی (بروز سندروم چوپان دروغگو)	لوونتال (۲۰۰۳)
۲۴	افزایش احتمال ریزش کارشناسان اطلاعاتی از سازمان به دلایلی از جمله کاهش انگیزه، نارضایتی، اخراج، استعفا، انتقال و ...	پیروز (۱۳۹۲)
۲۵	رواج انتقام‌جویی‌های شخصی و رشد غرض‌ورزی	معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۴) - سالارکیا و همکاران (۱۳۹۶) - وایتز (۲۰۰۷)
۲۶	افزایش احتمال ریزش نیروهای کارشناسی در اثر سوگیری‌های سیاسی از سوی مدیران دستگاه‌های اطلاعاتی	پیروز (۱۳۹۲)
۲۷	کاهش احساس امنیت شغلی و وفاداری و تعهد کارکنان اطلاعاتی در اثر شیوع سیاسی‌کاری در سازمان	معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۴) - لوونتال (۲۰۰۳)

منابع مرتبط از پیشینه‌های پژوهش	پیامدهای شناسایی شده	ردیف
پیروز (۱۳۹۲)	احتمال انفعال‌گرایی یا بی‌تفاوتی به سرنوشت، وقایع و عملکرد سازمانی ناشی از تسلط سیاسیون و غلبه نظرات سیاسی در سازمان اطلاعاتی	۲۸.
سالارکيا و همکاران (۱۳۹۶) - سالارکيا (۱۳۹۷)	احساس ضعف مسئولان و افسران اطلاعاتی در مواجهه با سیاست‌گذاران و خضوع در برابر سیاست‌مداران	۲۹.
لوونتال (۱۳۹۴)	افزایش آسیب‌پذیری کارکنان اطلاعاتی در برابر سرویس‌های حریف (پناهندگی، جلب همکاری و ...)	۳۰.

جدول ۳: فهرست پیامدهای سیاست‌زدگی برای نظام سیاسی

منابع مرتبط از پیشینه‌های پژوهش	پیامدهای شناسایی شده	ردیف
معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۵)	امکان غافل‌گیری سیاسی به دلیل عدم واقع‌بینی در برابر گزارش‌های اطلاعاتی و برخورد گزینشی با آن‌ها	۱.
خسروی (۱۳۹۰)	احتمال بروز چالش، بحران، بی‌ثباتی و بی‌نظمی در نظام سیاسی	۲.
خسروی (۱۳۹۰)	افزایش احتمال شکست سیاست‌ها و اهداف کلان نظام و دولت	۳.
سالارکيا (۱۳۹۷)	افزایش نظم‌گریزی، توجیه‌کاری و قانون‌گریزی در بین مسئولین سیاسی	۴.
سالارکيا (۱۳۹۷)	افزایش فرصت‌طلبی و سودجویی سازمانی یا فردی در نظام سیاسی	۵.
خسروی (۱۳۹۰) - پیروز (۱۳۹۲)	ضعف عملکردی و ناکامی نظام سیاسی	۶.

ردیف	پیامدهای شناسایی شده	منابع مرتبط از پیشینه‌های پژوهش
۷.	احتمال شیوع بداخلاق‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی در کشور	وایتز (۲۰۰۷) - سالارکیا و همکاران (۱۳۹۶)
۸.	افزایش احتمال نفوذ، رانت، اقدامات ناسالم و غیرقانونی در دستگاه‌های اجرایی و سیاسی	لفبور (۲۰۰۴) - سالارکیا و همکاران (۱۳۹۶) - وایتز (۲۰۰۷) - پیروز (۱۳۹۲)
۹.	احتمال تضييع حقوق شهروندان ناشی از پررنگ‌شدن مسائل و جریان‌ات سیاسی و منافع حاکمان	سالارکيا (۱۳۹۷)

اعتبار پرسش‌نامه نیز، به کمک یک گروه ۲۰ نفری به‌طور آزمایشی بررسی شد و ضریب اعتماد آلفای کرونباخ برای هریک از پیامدها به تفکیک به دست آمد که نتایج آن در جدول ۴ درج شده است.

جدول ۴: نتایج محاسبه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ

ابعاد	تعداد سؤال‌ها	وضعیت مورد انتظار ضریب آلفا	وضعیت موجود ضریب آلفا
پیامدها برای سازمان‌های اطلاعاتی	۳۰	۷۷ درصد	۹۳ درصد
پیامدها برای نظام سیاسی	۹	۷۵ درصد	۸۴ درصد

با توجه به داده‌های جدول ۴، ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده، نسبتاً بالا و مقبول است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های بارتلت و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

د) یافته‌های پژوهش

اطلاعات سیاسی شده در واقع افزایش فعالیت‌ها و گرایش‌های سیاسی توسط کارکنان اطلاعاتی یا سازمان اطلاعاتی و از نگاه دیگر سیاسی شدن اطلاعات، به معنای کنترل فزاینده حکومت‌ها و سیاست‌مداران بر فعالیت‌ها و محصولات اطلاعاتی است. در پاسخ به سؤال اول پژوهش، بر اساس مطالعات متون مختلف و یافته‌های پژوهشی، مهمترین تفاوت‌های دو جنبه سیاست‌زدگی اطلاعات در جدول ۵ به نمایش درآمده است.

جدول ۵: تفاوت‌های اطلاعات سیاسی شده با سیاسی شدن اطلاعات

ردیف	زمینه تفاوت	اطلاعات سیاسی شده	سیاسی شدن اطلاعات
۱	عامل شکل‌گیری	کارکنان اطلاعاتی یا سازمان اطلاعاتی	تصمیم‌گیران و دولتمردان سیاسی
۲	چرایی شکل‌گیری	ضعف‌های کارکردی یا حرفه‌ای اطلاعات، میل و رغبت اطلاعات برای خوشایندی مقامات سیاسی و گرفتن امتیاز (دستکاری عمدی)	اعمال فشار و اراده از سوی سیاست‌گذاران به منظور همسوکردن اطلاعات با خواسته‌ها و گرایش‌های خود
۳	ماهیت شکل‌گیری	حرفه‌ای و کارکردی	ساختاری و سیاسی
۴	مسیر شکل‌گیری	از پایین به بالا	از بالا به پایین
۵	دفعات شکل‌گیری	بیشتر و جزئی‌تر است.	کمتر و کلی‌تر است.
۶	روند شکل‌گیری	پنهان، هوشمندانه و هدفمند	مستقیم و عمدتاً آشکار و حتی در برخی اوقات به صورت رسمی و ابلاغی

۷	زمان شکل گیری	غالباً طولانی مدت و به صورت آرام و تدریجی	بیشتر به صورت موردی و دفعی
۸	سطح شکل گیری	معمولاً از پایین ترین رده کارشناسی تا بالاترین رده سازمانی امکان وقوع دارد. (در هریک از سطوح سازمان اطلاعاتی از جمع آوری، بررسی، تحلیل و حتی انتشار امکان پذیر است).	به طور معمول در بالاترین سطح مسئولین سیاسی شکل می گیرد و در صورت آشفتگی در نظام سیاسی، از سوی مقامات سیاسی لایه های پایین تر نیز قابل پیگیری است.
۹	شناسایی شکل گیری	احتمال شناسایی به خصوص در سطح کارشناسان اطلاعاتی، بسیار سخت است (مه آلود است).	بعضاً به راحتی قابل شناسایی بوده و حتی از طریق رسانه ها نیز در برخی موارد به آن پرداخته می شود.
۱۰	روش های شکل گیری	بسیار زیاد و بعضاً به تعداد کارشناسان و مدیران اطلاعاتی، قابل رصد و پیگیری است.	عمدتاً به صورت محدود یا خواسته های مشابه از سوی سیاستمداران مختلف شکل می گیرد.
۱۱	میزان شکل گیری	به راحتی نمی توان میزان تحریف محصول تولید شده را در مقایسه با واقعیت موجود سنجید.	با سهولت بیشتری می توان به نوع و میزان فشار سیاسی بر اطلاعات پی برد.
۱۲	خط حائل شکل گیری	مستلزم عبور از خط حائل بین سیاست و اطلاعات نیست.	مستلزم عبور از خط حائل بین سیاست و اطلاعات است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، برای ارزیابی کفایت نمونه، از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ درج شده است.

جدول ۶: خروجی آزمون KMO و بارتلت

شاخص KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۹۰۵	۵۳۷۰/۵۳۱	۶۳۰	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶، اندازه کفایت نمونه به دست آمده در خروجی نرم افزار SPSS برابر با ۰/۹۰۵ (بزرگ تر از ۰/۷) و همچنین سطح معناداری آزمون بارتلت برابر صفر است که معناداری آماره به دست آمده (۵۳۷۰/۵۳۱) را نشان می دهد و می توان گفت که نتایج، از کفایت نمونه برای اجرای تحلیل عاملی تأییدی حکایت می کند.

به منظور اعتبارسنجی مدل، از مدل سازی معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) در نرم افزار Smart PLS استفاده شد. با نگاهی به نتایج خروجی نرم افزار Smart PLS در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معناداری مدل ها، مشخص شد که دو بُعد مدل، شامل پیامدها برای نظام سیاسی (ضریب استاندارد ۰/۹۴۳ و معناداری ۰/۰۰۰/۰۲۴) و پیامدها برای سازمان های اطلاعاتی (ضریب استاندارد ۰/۹۱۹ و معناداری ۰/۰۰۰/۰۷۴) تأیید می شوند. همچنین معناداری ضرایب و پارامترها، نشان می دهد که تمامی ضرایب به دست آمده معنادارند؛ زیرا مقدار آزمون معناداری تک تک آنها از ۱/۹۶ بزرگ تر و از ۱/۹۶- کوچک تر است. طبق نتایج این تحلیل، همه ۳۹ پیامد در دست بررسی پذیرفته می شود، به بیان دیگر، معناداری ضرایب به دست آمده برای این پیامدها تأیید می شود. جدول های ۷ و ۸ بارهای عاملی و ضرایب معناداری پیامدهای سیاست زدگی را در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معناداری نشان می دهد.

جدول ۷: نتایج تحلیل عاملی تأییدی پیامدهای سیاست‌زدگی برای سازمان‌های اطلاعاتی

اولویت	ضرایب معناداری	بار عاملی	پیامدهای سیاست‌زدگی برای سازمان‌های اطلاعاتی
۱	۷۲/۱۱	۸۸/۰	ضربه به هویت حرفه‌ای سازمان و کارکنان اطلاعاتی
۲	۹۶/۴۲	۸۶/۰	افزایش احتمال غافلگیری و ناکامی اطلاعات
۳	۸۱/۲۰	۷۸/۰	ضعف کارامدی و عملکردی سازمان اطلاعاتی
۴	۲۳/۲۸	۸۲/۰	خروج سازمان اطلاعاتی از چرخه حرفه‌ای تولید اطلاعات
۵	۸۲/۲۸	۸۰/۰	افشای احتمالی اطلاعات حساس کشور (به خطر افتادن امنیت ملی کشور)
۶	۲۲/۲۲	۷۸/۰	بروز سوگیری‌های سیاسی و حاکمیت ذهن‌گرایی و تفسیرگرایی در تحلیل‌های اطلاعاتی
۷	۱۳/۱۹	۷۵/۰	فساد در بی‌طرفی نظام اطلاعاتی (جایگزینی و پیگیری اهداف سیاسی و جناحی به جای اهداف و مأموریت‌های اصلی سازمان از سوی مدیران و مسئولین اطلاعاتی با نگرش‌های سیاسی)
۸	۰۶/۱۵	۷۳/۰	انحراف واقعی سازمان اطلاعاتی از وظیفه ذاتی «بیان حقیقت اطلاعاتی به قدرت سیاسی»
۹	۰۱/۲۹	۸۰/۰	افزایش تعصبات جناحی و سلیق‌های بین کارکنان اطلاعاتی
۱۰	۵۱/۴۴	۷۳/۰	افزایش رفتارهای غیرسازمانی و رانتهی در سازمان‌های اطلاعاتی
۱۱	۲۲/۸	۶۷/۰	رواج انتقام‌جویی‌های شخصی و رشد غرض‌ورزی
۱۲	۴۵/۲۱	۷۶/۰	تحریف واقعیت‌ها به علت تسلط سوگیری‌های فکری و سلیق‌های کارشناسان و مدیران اطلاعاتی
۱۳	۷۲/۳۸	۸۵/۰	کاهش اعتماد سیاست‌گذاران و افکار عمومی به سازمان اطلاعاتی
۱۴	۲۰/۲۲	۷۸/۰	جایگزینی معیارهای سیاسی به جای معیارهای حرفه‌ای در فرایندهای درونی سازمان اطلاعاتی

۱۵	۵۹/۲۸	۸۲/۰	انسداد مسیرهای یادگیری و پیشرفت حرفه‌ای کارکنان اطلاعاتی ناشی از فضای سیاست‌زده و جابه‌جایی شاخص‌های ارتقای سازمانی از شایستگی و ضوابط به تظاهر و روابط
۱۶	۳۱/۱۹	۷۴/۰	خداشه‌دار شدن اعتبار ملی و وجهه حاکمیتی سازمان اطلاعاتی (بروز سندروم چوپان دروغگو)
۱۷	۵۳/۲۷	۸۳/۰	بهره‌گیری از سازمان اطلاعاتی به منظور اهداف سیاسی خاص
۱۸	۳۲/۲۱	۸۰/۰	حاکمیت مدیران سیاسی و غیرحرفه‌ای در بخش‌های مختلف سرویس اطلاعاتی
۱۹	۵۲/۱۸	۵۲/۰	قرار گرفتن فعالیت‌های جاری اطلاعات تحت تأثیر چنددستگی در جریانات سیاسی، جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متعارض، تشکیل مستمر فضاهای خودی و غیرخودی و اقدامات خودسرانه در سطوح مختلف سازمان
۲۰	۰۹/۲۷	۸۰/۰	امکان بروز تنش، استرس، ناآرامی و تضادهای فکری و کاری بین طیف‌های مختلف در سازمان اطلاعاتی
۲۱	۶۰/۱۳	۷۰/۰	افزایش احتمال ریزش نیروهای کارشناسی در اثر سوگیری‌های سیاسی از سوی مدیران دستگاه‌های اطلاعاتی
۲۲	۶۷/۲۰	۷۵/۰	تبدیل شدن مدیران و افسران اطلاعاتی به گماشته‌های سیاسی یا وابسته به احزاب و جریانات سیاسی
۲۳	۷۸/۳۶	۸۵/۰	افزایش محدودیت‌ها و انقباض‌های فکری و کاهش فضای تفکر انتقادی
۲۴	۶۷/۲۴	۸۱/۰	خوداجته‌آدی کارشناسان اطلاعاتی به جای رعایت تشریفات و سلسله‌مراتب اداری در تصمیم‌گیری‌ها
۲۵	۲۳/۱۱	۶۹/۰	احساس ضعف مسئولان و افسران اطلاعاتی در مواجهه با سیاست‌گذاران و خضوع در برابر سیاست‌مداران
۲۶	۰۴/۴۲	۸۱/۰	افزایش احتمال ریزش کارشناسان اطلاعاتی از سازمان به دلایلی از جمله کاهش انگیزه، نارضایتی، اخراج، استعفا، انتقال و...

۲۷	۳۰/۲۹	۸۱/۰	کاهش احساس امنیت شغلی و وفاداری و تعهد کارکنان اطلاعاتی در اثر شیوع سیاسی کاری در سازمان
۲۸	۲۰/۱۸	۷۰/۰	احتمال انفعال‌گرایی یا بی‌تفاوتی به سرنوشت، وقایع و عملکرد سازمانی ناشی از تسلط سیاسیون و غلبه نظرات سیاسی در سازمان اطلاعاتی
۲۹	۸۱/۳۰	۷۳/۰	افزایش موازی کاری در جامعه اطلاعاتی
۳۰	۷۹/۲۴	۸۲/۰	افزایش آسیب‌پذیری کارکنان اطلاعاتی در برابر سرویس‌های اطلاعاتی حریف (از طریق پناهندگی، جلب همکاری و...)

با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی، پیامدهای سیاست‌زدگی برای سازمان‌های اطلاعاتی در جدول ۷ مشاهده می‌شود. بار عاملی همه پیامدها بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۵ است و ضرایب معناداری پیامدهای به‌دست‌آمده مناسب و معنادارند (بزرگ‌تر از ۱/۹۶)، از این‌رو، هیچ پیامدی از مدل حذف نشد و مدل اندازه‌گیری تحقیق، مدل مناسبی است. همچنین با توجه به عدد معناداری به‌دست‌آمده برای پیامدها، هر ۳۰ پیامد تأیید شدند. در این بین، «ضربه به هویت حرفه‌ای سازمان و کارکنان اطلاعاتی» دارای بیشترین پیامد منفی برای سازمان اطلاعاتی و «افزایش آسیب‌پذیری کارکنان اطلاعاتی در برابر سرویس‌های اطلاعاتی حریف (از طریق پناهندگی، جلب همکاری و...)» دارای کمترین بار منفی ناشی از سیاست‌زدگی برای جامعه اطلاعاتی کشور است.

جدول ۸: نتایج تحلیل عاملی تأییدی پیامدهای سیاست‌زدگی برای نظام سیاسی

اولویت	ضریب معناداری	بار عاملی	پیامدهای سیاست‌زدگی برای نظام سیاسی
۱	۴۰/۴۲	۰/۸۳	امکان غافل‌گیری سیاسی به دلیل عدم واقع‌بینی در برابر گزارش‌های اطلاعاتی و برخورد گزینشی با آن‌ها
۲	۴۹/۱۹	۶۸/۰	احتمال بروز چالش، بحران، بی‌ثباتی و بی‌نظمی در نظام سیاسی
۳	۲۵/۳۰	۷۶/۰	افزایش احتمال شکست سیاست‌ها و اهداف کلان نظام و دولت
۴	۹۴/۱۵	۶۸/۰	ضعف عملکردی و ناکامی نظام سیاسی
۵	۶۷/۳۹	۸۱/۰	افزایش احتمال نفوذ، رانت، اقدامات ناسالم و غیرقانونی در دستگاه‌های اجرایی و سیاسی
۶	۷۱/۳۵	۷۹/۰	احتمال شیوع بداخلاقی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی در کشور
۷	۰۷/۱۲	۷۰/۰	افزایش فرصت‌طلبی و سودجویی سازمانی یا فردی در نظام سیاسی
۸	۹۳/۱۲	۷۳/۰	افزایش نظم‌گریزی، توجیه‌کاری و قانون‌گریزی در بین مسئولین سیاسی
۹	۹۰/۱۵	۷۲/۰	احتمال تضییع حقوق شهروندان ناشی از پررنگ شدن مسائل و جریانات سیاسی و منافع حاکمان

با توجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی، پیامدهای سیاست‌زدگی برای نظام سیاسی در جدول ۸ مشاهده می‌شود. بار عاملی همه پیامدها بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۵ است و ضرایب معناداری پیامدهای به‌دست‌آمده مناسب و معنادارند (بزرگ‌تر از ۱/۹۶)، از این‌رو، هیچ پیامدی از مدل حذف نشد و مدل اندازه‌گیری تحقیق، مدل مناسبی است. همچنین با توجه به عدد معناداری به‌دست‌آمده برای پیامدها، هر نه پیامد تأیید شدند. در این بین، «امکان غافل‌گیری سیاسی به دلیل

عدم واقع‌بینی در برابر گزارش‌های اطلاعاتی و برخورد گزینشی با آن‌ها» دارای بیشترین پیامد منفی و «احتمال تضييع حقوق شهروندان ناشی از پررنگ‌شدن مسائل و جریانات سیاسی و منافع حاکمان» دارای کمترین بار منفی ناشی از سیاست‌زدگی برای نظام سیاسی حاکم است.

جدول ۹: مقادیر برازش آزمون مدل اندازه‌گیری

متغیر	میانگین واریانس استخراجی (AVE)	پایایی ترکیبی	ضریب تعیین (R^2)	آلفای کرونباخ	پایایی اشتراکی	کیفیت مدل (CV.Com)
پیامدها برای نظام سیاسی	۰/۸۳	۰/۹۴	۰/۷۹	٪۸۴	۰/۸۳	۰/۴۲۶
پیامدها برای سازمان‌های اطلاعاتی	۰/۶۰	۰/۹۰	۰/۷۷	٪۹۳	۰/۶۰	۰/۴۸۸

در جدول ۹، مقادیر برازش آزمون مدل اندازه‌گیری نشان داده شده است. ضریب آلفای کرونباخ مدل اندازه‌گیری برای سنجش پایایی و ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) با مقدار بیشتر از ۰/۷ گویای پایایی پرسش‌نامه است. بررسی شاخص پایایی ترکیبی^۱ مدل اندازه‌گیری و هم‌بستگی سؤال‌ها با یکدیگر در مدل با مقدار بیش از ۰/۷ برای هر سازه، از پایداری درونی مناسب برای هر یک از متغیرها حکایت می‌کند. همچنین، بررسی معیار پایایی اشتراکی^۲ و قابلیت

1. CR (Composit reliability)
2. Communalilty

تعمیم‌پذیری در یک نمونه دیگر از همان جامعه، نشان داد که مقادیر به‌دست‌آمده برای هر سازه بیشتر از ۰/۵ است. برای سنجش کیفیت مدل اندازه‌گیری و نشان‌دادن قدرت پیشگویی مدل، از شاخص CV.Com استفاده شد. مقدار این شاخص بین ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) متغیر است. چنانچه مقادیر این متغیر در وضعیت ضعیف باشد، بایستی در خصوص مدل تحقیق و شاخص‌های آن تجدیدنظر کرد. با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده از شاخص CV.Com، متغیرهای مدل اندازه‌گیری در وضعیت قوی قرار دارند و می‌توان گفت که قدرت پیشگویی مدل زیاد است.

جدول ۱۰: میزان communality و R² متغیرهای تحقیق

متغیر	communality	R ²
پیامدها برای نظام سیاسی	۰/۸۳	۰/۷۹
پیامدها برای سازمان‌های اطلاعاتی	۰/۶۰	۰/۷۷
میانگین	۰/۷۲	۰/۷۸
GOF	۰/۷۵	$\sqrt{AveR^2 \times (Ave\ of\ communalities)}$

برآزش کلی مدل نیز از طریق معیار GOF بررسی شد. این معیار را تن‌هاوس و همکارانش (۲۰۰۴) ابداع کرده‌اند که بر اساس رابطه ۱ محاسبه می‌شود.

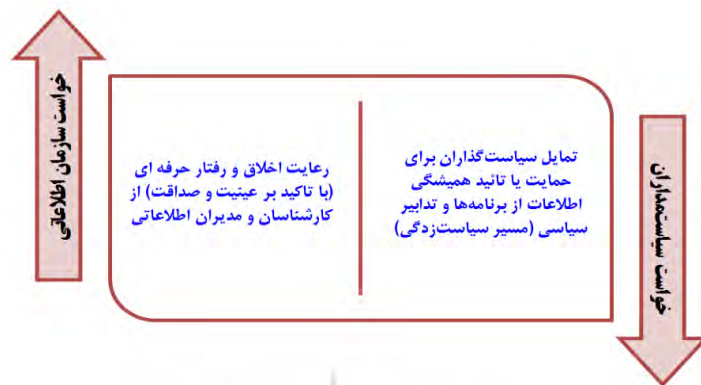
$$\text{رابطه ۱) } \sqrt{AveR^2 \times (Ave\ of\ communalities)}$$

به طوری که میانگین Communalities نشان‌دهنده میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه و AveR² سازه‌های درون‌زای مدل است. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به‌عنوان

مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF و حصول عدد ۰/۷۵، می‌توان گفت که مدل برازش بسیار مناسبی دارد.

نتیجه‌گیری

اولویت‌های سیاسی وقتی بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی حاکم است، فشارهای زیادی بر اطلاعات واقع می‌شود که نتیجه‌اش تولید اطلاعاتی متناسب با سیاست موردنظر است که موجب تحریف واقعیت می‌شود. سیاست‌زدگی وقتی به وجود می‌آید که اطلاعاتی‌ها سهواً یا عمدتاً به نحوی منحرف می‌شوند که اطلاعاتی تولید کنند که سیاست‌گذار می‌خواهد. اطلاعاتی‌ها باید بدانند که سیاست همواره تمایل دارد در اطلاعات دخالت کند؛ چراکه داشتن اطلاعات در عصر امروز یک مزیت رقابتی بسیار مهم چه در عرصه داخلی نظام سیاسی و چه در سطح سیاست خارجی است. از سوی دیگر، این اصل نیز باید همواره مدنظر قرار گیرد که «سیاست‌زدگی هیچ وقت صفر نمی‌شود ولی ممکن است کم شود»؛ بنابراین منطبق با شکل ۴، همیشه یک پارادوکس بین اطلاعات و سیاست وجود دارد.



شکل ۴: شمای وجود پارادوکس دائمی بین اطلاعات و سیاست

مفهوم رایج معنای سیاست‌زدگی در بافت اطلاعات، فساد در بی‌طرفی نظام اطلاعاتی است؛ خواه از طریق دست‌کاری عمدی روند اطلاعات توسط تصمیم‌گیرانی که می‌خواهند اطلاعات و تحلیل از گزینه سیاسی خاص آنان حمایت کند (به معنای سیاسی شدن اطلاعات)، خواه از طریق اقدامات تحلیل‌گران اطلاعاتی که به تصمیم‌گیران آن دسته از اطلاعاتی را که تمایل دارند بشنوند، ارائه می‌کنند (با تعبیر سیاسی شدن اطلاعات). (سالارکبا، ۱۳۹۷: ۳۹ به نقل از مارین^۱، ۲۰۰۹: ۲۷۷). افسران و مدیران حرفه‌ای اطلاعاتی و رهبران سیاسی آگاه به ماهیت اطلاعات، مستمراً در تلاشند تا از نقض اصل تکوینی «استقلال اطلاعاتی» جلوگیری کنند.

درست است که اطلاعات باید فعالانه از سیاست‌گذاران و فرماندهان نظامی حمایت کند اما این به معنای برده‌بودن اطلاعات در پیشگاه سیاست نیست. استقلال و تمامیت فکری نظام اطلاعات،

1. Marrin

امری حیاتی است که هم در بلندمدت و هم کوتاه‌مدت برای تولید اطلاعات در خدمت منافع ملی ضروری است (سالارکيا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۲ به نقل از شولسکی، ۱۳۹۴: ۲۷۹). با وجود این از آنجا که اطلاعات در بستر سیاست متولد و رشدونمو می‌کند و بدون آن از حیز انتفاع ساقط است، نمی‌توان انتظار داشت اطلاعات را از سیاست به طور کامل جدا کرد. در این صورت، تولیدات و فعالیت‌های اطلاعاتی در سیاق نیازمندی‌های سیاست‌گذاران نخواهد بود و بی‌ربط بودن را به دنبال خواهد داشت. از این‌رو، مقداری از سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی امری اجتناب‌ناپذیر است زیرا اطلاعات برای خدمت به سیاست‌گذاران ایجاد شده و در عین داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد، در ساختاری قرار دارد که توسط سیاست‌گذاران اداره و سرپرستی می‌شود (سالارکيا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۴ به نقل از پیلار، ۲۰۱۰: ۴۷۲). هرگز نمی‌توان بدون خیس‌شدن شنا کرد، تنها می‌توان با پوشیدن لباس شنا بخش‌هایی از بدن را از تماس مستقیم با آب دور نگه داشت. این مهمترین اصلی است که مدیران و افسران اطلاعاتی باید در خصوص ارتباط خود با سیاست‌گذاران بدانند. در چارچوب این اصل، هویت حرفه‌ای مدیران/ افسران اطلاعاتی، همان عایقی است که خطرات ناشی از حضور در جهان سیاست‌گذاری را به حداقل می‌رساند. اصل دیگری که مدیران و افسران اطلاعاتی باید نسبت به آن آگاه باشند، این است که اطلاعات یک متغیر سیاسی است اما این به معنی سیاست‌زدگی نیست. منظور از سیاسی بودن اطلاعات، نقش و تأثیر آن در توزیع قدرت در سطوح ملی و فراملی و نقش خدمت‌گزارانه آن در برابر سیاست‌گذاران است. طبق این اصل اطلاعات باید نقش‌های قانونی خود در خدمت به سیاست‌گذار را ایفا کند اما محصولات اطلاعاتی ارائه شده به سیاست‌گذار باید فارغ از

سوگیری‌های ذهنی تهیه گردد. اطلاعات باید با جسارت تمام، حقیقت را به قدرت منتقل کند. خلاصه اینکه، سازمان‌های اطلاعاتی در تداوم ثبات نظام سیاسی مؤثرند و بالعکس. سیاست‌زدگی اطلاعات، ثبات نظام سیاسی را با چالش مواجه می‌سازد؛ بنابراین، بازگشت مجدد کارآمدی به سازمان اطلاعاتی، منوط به استقرار ثبات سیاسی در سطوح داخلی و بین‌المللی است و ثبات سیاسی نیز منوط به دوری‌گزیدن سازمان‌های اطلاعاتی از سیاست‌زدگی است.

در بحث تطبیق یافته‌های این تحقیق با پیشینه‌های مطالعاتی، با وجود اینکه در پژوهش سالارکیا و همکاران (۱۳۹۶)، هفده بستر برای سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی معرفی شده است، یافته‌های این پژوهش تغییرات اساسی در معرفی دلایل سیاست‌زدگی به تفکیک «اطلاعات سیاسی شده» و «سیاسی شدن اطلاعات» ارائه نموده است. همچنین در پژوهش سالارکیا (۱۳۹۷)، دوازده دلیل برای تضعیف نظام اجرایی متأثر از سیاست‌زدگی آمده است که این پژوهش با تفکیک این پیامدها به دو بخش نظام سیاسی و جامعه اطلاعاتی، به ترتیب ۳۴ پیامد را مورد تأکید قرار داده است. البته باید افزود که نتایج و یافته‌های مطالعه حاضر از جامعیت بیشتری نسبت به تحقیقات پیشین برخوردار است. به همین دلیل غالب یافته‌های مطالعات خسروی (۱۳۹۰)، پیروز (۱۳۹۲)، دلنایی فرد و همکاران (۱۳۹۴)، بار- جوزف (۱۳۹۴)، فرسون هیس و فرسون (۱۳۹۴)، بتس (۲۰۰۳) و لوونال (۱۳۹۴) را در خود جای داده است. مرتبط با یافته‌های پژوهش، توصیه‌های سیاستی برای تقلیل وقوع شرایط سیاست‌زدگی اطلاعات به شرح زیر است:

- ایجاد نوعی فرهنگ تحلیلی دارای عینیت و صداقت برای اطلاعاتی جهت اجتناب از

خطاهای مربوط به سیاسی سازی؛

- رعایت رفتارهای حرفه‌ای از سوی مدیران و کارشناسان اطلاعاتی و تعلق و وابستگی عمیق به اصل «بی‌طرفی اطلاعات»؛
- تقویت هویت حرفه‌ای سازمانی و فردی کارکنان اطلاعاتی؛
- تأکید بر رعایت اخلاق حرفه‌ای در اطلاعات و تدوین مجموعه‌ای از قوانین حرفه‌ای اخلاقی برای افسران اطلاعاتی؛
- ایجاد رابطه منطقی، مستمر و کنترل‌شده تحلیل‌گران اطلاعاتی با سیاست‌گذاران؛
- ارائه نسخه‌های متفاوت با شواهد، فرضیه‌های متعدد و سناریوهای جایگزین در تحلیل‌های اطلاعاتی؛
- افزایش نظارت درونی و بیرونی بر اطلاعات.
- افزایش آگاهی دولتمردان از ضرورت بی‌طرفی و استقلال اطلاعات به عنوان محوری‌ترین زمینه ارتقای کیفیت اطلاعات؛
- ایجاد ظرفیت‌های آموزشی در نهادهای سیاست‌گذاری جهت آگاهی و آشنایی با ماهیت اطلاعات و کارکردهای آن؛
- تشویق کارمندان و مدیران سیاسی از سوی نظام سیاسی و سیاست‌گذاران برای پرهیز از ارسال علائم به زیردستان و مدیران اطلاعاتی.

منابع

- آستانا، ان‌سی و نیرمال، آنجالی (۱۳۹۵)، مدیریت اطلاعات و امور امنیتی، ترجمه علی غیرتمند، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- آفابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷/۰۹/۰۲)، آفات سیاست‌زدگی، روزنامه مردم‌سالاری، شماره ۲۲۲۹.
- اندرگ، مایکل (۱۳۹۲)، اخلاق اطلاعاتی: بسترسازی برای دومین حرفه قدیمی جهان، در لاک کی، جانسون، راهنمای مطالعات اطلاعاتی، ترجمه صفت‌الله قاسمی، روح‌اله قادری و اسماعیل عبداللهی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین.
- بار-جوزف، یوری (۱۳۹۴)، مداخله اطلاعات در سیاست کشورهای دموکراتیک. ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: دانشکده اطلاعات
- پیروز، مهدی (۱۳۹۲)، در باب سیاست‌زدگی در سرویس‌های اطلاعاتی: علل، پیامدها و راهکارها، فصلنامه اطلاعاتی - حفاظتی جامعه اطلاعاتی، ۵ (۲)، ۳۳-۶۶.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۰)، سیاست‌زدگی اطلاعات: از بی‌هویتی سازمان اطلاعاتی تا ناکامی نظام سیاسی، مطالعات راهبردی، ۱۴ (۳)، ۱۰۳-۱۲۶.
- خلیلی، ابراهیم و نادى، حمیدرضا (۱۴۰۰)، مبانی اطلاعات، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- دانایی‌فرد، حسن؛ صادقی، محمدرضا و مصطفی‌زاده، معصومه (۱۳۹۴)، واکاوی و تحلیل تبعات سیاست‌زدگی بوروکراسی در نظام‌های سیاسی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۹ (۲)، ۵۷-۸۶.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۷)، سیاست‌زدگی و کارآمدی در نظام اجرایی، مطالعات راهبردی، ۲۱ (۴)، ۳۵-۵۹.
- سالارکیا، غلامرضا؛ سرلک، محمدعلی؛ حضوری، محمدجواد و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۶)، تحلیل پیش‌آیندهای وقوع سیاست‌زدگی اطلاعات، مطالعات قدرت نرم، ۷ (۱۶)، ۱۷۰-۲۰۶.
- سالارکیا، غلامرضا و میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۷)، سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شولسکی، ابرام (۱۳۹۴)، نبرد بی‌صدا: درک دنیای اطلاعات، ترجمه معاونت پژوهشی، تهران: دانشکده امام باقر(ع).

فرسون هییس، کاترین و فرسون، راندولف (۱۳۹۴)، تفکر انتقادی در اطلاعات راهبردی، ترجمه معاونت پژوهش، تهران: دانشکده اطلاعات.

لوونثال، مارک ام (۱۳۹۴)، اطلاعات از اسرار تا سیاست: کارکردها و مأموریت‌های اطلاعات، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: دانشکده اطلاعات.

معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۴ الف)، تحلیل هشدار، تهران: دانشکده اطلاعات.

معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۴ ب)، بررسی اطلاعاتی ۳ (رابطه تحلیل‌گر و سیاست‌گذار)، همایش ملی روش‌های تحلیل اطلاعات، تهران: دانشکده اطلاعات.

معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۵)، نظریه و روش در اطلاعات. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۵)، سازمان‌های اطلاعاتی و حوزه‌های تأثیر ملی، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

Betts, Richard K. (2003), Politicization of Intelligence: Costs and Benefits, in Richard K. Betts & Thomas G. Mahnken (eds.), *Paradoxes of Strategic Intelligence*, pp. 57-76, Frank Cass.

Cawthra, G., Luckham, R. (2003), "Democratic Control and Security sector", in Cawthra and Luckham, eds., *Governing Insecurity: Democratic control of military and security Establishments in transitional democracies*, London: zed Books.

Davis, Jack (2007), "Intelligence Analysts and Policy Maker: Benefit and Dangers of Tensions in the Relationship", in Loch K. Johnson (ed.); *Strategic Intelligence*, Vol. 2, pp.144-163.

Herman, Michael (2001), *Intelligence Services in the Information Age*, London: FranKass.

Jervis, Robert (2006), Reports, Politics and Intelligence Failures: The Case of Iraq, *Journal of Strategic Studies*, Vol. 29, No. 1.

Lefebure, Stephan (2004), "A Look at Intelligence Analysis", *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, vol.17, no. 2, pp. 231-264.

Lowenthal, Mark (2003), *Intelligence from Secrets to policy*, Washington: CQ Press.

Marrin, Stephan (2009), *Intelligence Analysis and Decision Making: Methodological Challenges*, In: Peter Gill, *Intelligence Theory: Key Question and Debates*, Routledge.

O'Connell, K. M. (2004), Thinking about Intelligence Comparatively, *Brown Journal of World Affairs*, Vol 6, No. 1, pp 189-199.

Pateman, R.Y (2003), *Residual Uncertainty*, Washington: University Press of America.

Pillar, Paul R. (2010), The Perils of Politicization, in: *The Oxford Handbook of National Security Intelligence*, Loch K. Johnson (editor), Oxford University Press.

Riste, Olav (2009), The Intelligence-Policy Maker Relationship and the Politicization of Intelligence, in: Gregory F. Treverton, Wilhelm Agrell (Editors), *National Intelligence Systems: Current Research and Future Prospects*, Cambridge University Press.

Roger, Z. George (2004), "Fixing the problem of Analytical Mind-Sets: Alternative Analysis", *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, vol.17, no. 3, pp.385-404.

- Treverton, Gregory F. (2008), Intelligence Analysis: Between "Politicization" and Irrelevance, in: Roger Z. George & James B. Bruce (eds.), Analyzing Intelligence, pp. 91-107, Georgetown University Press.
- Wendt, A. (1992), Anarchy is what states make of it: the social construction of power politics, International Organisation 46 (2).
- Witz, James J. (2007), "The intelligence- policy Nexus", in Loch K. Johnson (ed.); Strategic Intelligence, Vol.1, pp.139-150.
- Zurn, Michael (2014), The Politicization of World Politics and its effects: Eight Propositions, European Political Science Review, Vol. 6, No. 1, pp 47 – 71.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی